


تحلیل گفتمان انتقادی سخنرانی حسن روحانی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۸

غلامرضا حداد*  استادیار سیاستگذاری عمومی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

چکیده

این پژوهش به هدف فهم منطق درونی و معناکاوی سخنرانی حسن روحانی در مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۲۰۱۸ انجام پذیرفته است. پرسش این است که متاثر از تغییر زمینه سیاست خارجی ج.ا.ا در پی خروج یکجانبه آمریکا از توافق برجام؛ در این سخنرانی، چه اهداف سیاسی، چگونه و در چه مفصل‌بندی و چارچوبی در پس چه کنش‌های گفتاری و در ذیل چه ساختار معنایی بیان شده است. با برداشتی آزاد و عملیاتی از روش تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف؛ ابتدا متن، موضوع توصیف واژگان ارزشی قرار گرفته و استراتژی‌های غیریت‌سازی، متن/حاشیه، بینامتنیت، ناگفتنی‌های بین خطوط و مفروض‌های آن بررسی و نهایتاً ساختارهای ادراکی، ارزشی و تحریکی آن استخراج شده است. نتایج نشان می‌دهد متن، بر سازنده این تصویر است که جهان سیاست بین‌الملل، جامعه‌ای مدنی است که در آن حقوق و سازمان‌های بین‌المللی اصیل‌ترین ارزش‌ها و کلیدی‌ترین نهادها هستند، پس باید برای حفظ آن و حمایت از عضو متعهد (جمهوری اسلامی ایران) با قانون‌شکن (آمریکا) مواجهه‌ای قاطع و متحد توسط سایر اعضای متعهد جامعه صورت گیرد. در پیوند با زمینه، معنای متن در راستای تحریک قدرت‌های بزرگ در مقابله با یکجانبه‌گرایی آمریکا حول محور برجام و به هدف بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود در این کنش تحریکی قابل تبیین است.

واژگان کلیدی: حسن روحانی، تحلیل گفتمان انتقادی، مجمع عمومی، ساختارهای گفتمانی، استراتژی گفتمانی.

* نویسنده مسئول: ghrhaddad@gmail.com

مقدمه

در اجلاس سالیانه مجمع عمومی، ساختارهای معنایی متنوع در جهان سیاست بین‌الملل از زبان کارگزاران رسمی به سخن در آمده و رهبران سیاسی جهان فارغ از جایگاه دولت متبوع‌شان در سلسله‌مراتب قدرت، سالی یکبار فرصت می‌یابند از تریبونی که عالی‌ترین سطح سوژه‌های سیاسی شنونده‌اش هستند، سخن بگویند. رویه متعارف این است که رهبران در این سخنرانی کوتاه، ضمن معرفی «خود جمعی» که آنرا نمایندگی می‌کنند از ظرفیت‌ها، امکانات، دستاوردها و نیازهای خود بگویند، اصول و هنجارهایی که هویت آنها را بر ساخته معرفی نمایند، از دیگران برای رفع مشکلات‌شان استمداد جویند و از نقشی بگویند که می‌توانند در «خود جمعی بزرگتر» یا همان جامعه بین‌المللی بر عهده گیرند. کمیاب بودن این فرصت (سالی یک بار) و کوتاه بودن زمان سخنرانی‌ها (۱۵ دقیقه) این متون را به گنجینه‌هایی برای تحلیلگران سیاسی بدل می‌کند تا آنرا عصاره کلی‌ترین و کلیدی‌ترین مواضع سیاسی بازیگران عرصه سیاست بین‌الملل تلقی کنند (حداد، ۱۳۹۸: ۶۶).

سخنرانی روسای جمهوری ایران، به دلیل تداوم اهمیت و حساسیت بین‌المللی ایران، طی چهار دهه اخیر همواره مورد توجه بوده است؛ اما در چهار سال گذشته، نوسان و تغییر در محیط سیاسی جمهوری اسلامی متأثر از توافق برجام و رویدادهای پس از آن، بر اهمیت و حساسیت بین‌المللی ایران افزوده و این امر بر محتوا و الگوی سخنان حسن روحانی نیز تأثیر گذار بوده است. نگارنده، پیش‌تر در مقاله‌ای، الگوی سخنرانی‌های حسن روحانی در مجمع عمومی در خلال سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۸ را مبتنی بر نظریه کنش‌گفتار مورد مطالعه قرار داده است؛ اما سخنرانی وی در سال ۲۰۱۸ به دلیل تحول در بستر و زمینه سیاست خارجی ایران، ویژگی‌های برجسته‌ای نسبت به سه سخنرانی دیگر داراست و نگارنده در این پژوهش تلاش کرده است فراتر از کشف الگوی کلامی و کنشی، به فهم منطق درونی و معناکاوای متن آن در قالب کلیتی در پیوند با زمینه بپردازد.

در این مقاله، متن مذکور با برداشتی آزاد از روش تحلیل گفتمان فرکلاف در پی پاسخ به این پرسش مورد بررسی قرار می‌گیرد که متأثر از تغییر زمینه سیاست خارجی ایران در پی خروج یکجانبه آمریکا از توافق برجام، حسن روحانی در سخنرانی خود در مجمع عمومی چه اهداف سیاسی، چگونه و در چه مفصل‌بندی و چارچوبی در پس چه

کنش‌های گفتاری و در ذیل چه ساختار معنایی بیان کرده است. مبتنی بر این چارچوب نظری و روشی، ابتدا متن این سخنرانی به هدف استخراج محورهای کانونی مورد بررسی قرار گرفته و واژگان کلیدی آنها در قالب خوشه‌های معنایی مشابه دسته‌بندی شده و موضوع تحلیل کمی قرار می‌گیرند. سپس استراتژی‌های گفتگمانی شامل غیریت‌ها، متن و حاشیه‌ها، بینامتنیت و تداعی‌ها، بین خطوط و ناگفته‌ها و مفروضه‌های متن استخراج شده و مبتنی بر آنها ساختارهای ادراکی، ارزشی و تحریکی آن واسازی شده و نهایتاً در نسبت با زمینه خود مورد تفسیر قرار می‌گیرند.

مروری بر ادبیات پژوهش

تحلیل گفتگمان، هم‌عنوان یک نظریه و هم در قالب یک ابزار روشی، با اینکه اصالتاً متعلق به حوزه معرفتی زبان‌شناسی است، در سایر حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی بویژه علوم سیاسی نیز مورد اقبال قرار گرفته است؛ اگرچه از تحلیل‌های زبانی در قالب روش‌های خردمقیاس و متمرکز بر ساختار جمله، مانند نظریه کنش گفتار، کمتر و از تحلیل‌های زبانی کلان‌مقیاس و متمرکز بر ساختار کلی متن و متکی بر بافت زمینه، مانند تحلیل گفتگمان سیاسی لاکلاو و موف، بیشتر استقبال شده و در سطحی گسترده‌تر مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

صرفنظر از آثاری که دچار نوعی سوءتعبیر و یا کاربرد نادرست از مفهوم گفتگمان هستند، می‌توان ادبیات کاربرد گفتگمان در علوم سیاسی را به چهار دسته کلی طبقه‌بندی کرد. دسته اول آثاری هستند که صرفاً از منظر تئوریک در مورد مفهوم گفتگمان و بسط و ترویج نظریه‌های آن نگاشته شده‌اند. از شاخص‌ترین این آثار می‌توان به مقالات سه‌گانه تاجیک با عنوان «متن، وانموده و تحلیل گفتگمان» و مقالات دوگانه عضدانلو با عنوان «مقدمه‌ای بر گفتگمان یا گفتگمانی درباره گفتگمان» اشاره کرد (تاجیک، ۱۳۷۷) (عضدانلو، ۱۳۷۴، ۱۳۷۵ و ۱۳۷۷). مقالات و آثار دیگری نیز در معرفی و گردآوری نظریه‌های مرجع در تحلیل گفتگمان منتشر شده است؛ از جمله بخشایش اردستانی که گفتگمان قدرت در اندیشه میشل فوکورا مورد بررسی قرار داده است (بخشایش اردستانی، ۱۳۸۶)، کسرائی و پوزش شیرازی که نظریه لاکلاو و موف را در فهم پدیده‌های سیاسی توضیح داده‌اند (کسرائی و پوزش شیرازی، ۱۳۸۸) و یا جهانگیری و ریگی‌زاده که زبان، قدرت و

ایدئولوژی را به عنوان عناصر اصلی نظریه نورمن فرکلاف معرفی کرده‌اند (جهانگیری و ریگی‌زاده، ۱۳۹۲).

دسته دوم آثاری هستند که در آنها پژوهشگران با اتخاذ تعبیری گشوده و عام از مفهوم گفتمان، مقولات مختلف را به مثابه گفتمان لحاظ کرده و بی‌آنکه متن موضوع تحلیل، مستقلاً بر چارچوب یا نظریه مشخصی استوار باشد به تحلیل معنایی آن پرداخته‌اند. در این میان برخی، مکاتب نظری را به مثابه گفتمان مورد ملاحظه قرار داده‌اند از جمله معینی علمداری که پسا‌ساختارگرایی در سیاست (معینی علمداری، ۱۳۸۰) و یا احمدیان و نوری که پست‌مدرنیسم را در کنار انقلاب اسلامی به مثابه یک گفتمان در نقد مدرنیسم بررسی و معرفی کرده‌اند (احمدیان، ۱۳۹۰). برخی دیگر، مفاهیم کلیدی و یا مضامین عام و خاص امر سیاسی را به مثابه گفتمان ارزیابی کرده و به تحلیل معنایی آنها پرداخته‌اند. از جمله نظری که تجددگرایی ایرانی در مشروطیت را به عنوان یک گفتمان هویتی مطالعه نموده (نظری، ۱۳۸۸) یا دهقانی فیروزآبادی که الگوهای مختلف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را در قالبی گفتمانی معرفی کرده است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸ و ۱۳۹۳). برخی نیز مفاهیم کلیدی مانند عدالت، توسعه و یا آزادی و عرصه تحقق اجتماعی آنها را در قالبی گفتمانی مورد بررسی قرار داده‌اند؛ از جمله رهبری که نقش نخبگان در شکل‌گیری گفتمان توسعه در ایران را تحلیل کرده (رهبری، ۱۳۸۶) و یا کچویان که با رویکردی انتقادی، گفتمان توسعه را مورد نقد قرار داده است (کچویان، ۱۳۸۴). همچنین تاجیک، مردمسالاری دینی (تاجیک، ۱۳۸۲)، میراحمدی، اسلام سیاسی فقاهتی (میراحمدی، ۱۳۸۸) و خواجه سروی، عدالت در جمهوری اسلامی ایران (خواجه سروی، ۱۳۸۶) را به مثابه یک گفتمان مورد تحلیل قرار داده‌اند.

دسته سوم آثاری هستند که در آنها از نظریه‌ای خاص در تحلیل گفتمان به عنوان چارچوبی نظری برای ارائه فهمی از پدیده‌های سیاسی استفاده شده است. تفاوت این دسته از آثار با دسته پیشین، در تأکید بر کاربست نظریه‌ای خاص به جای اتخاذ تعبیری گشوده و عام از مفهوم گفتمان است. از جمله رضائی جعفری و همکاران، تثبیت گفتمان انقلاب اسلامی (رضائی جعفری و دیگران، ۱۳۹۵)، باقری دولت‌آبادی و فخرائی ناکامی صدور انقلاب اسلامی به اروپا (باقری دولت‌آبادی و فخرائی، ۱۳۹۶) و حاجی حسینی و

سام آرام جایگاه فقر در گفتمان دولت اصلاحات (حاجی حسینی و سام آرام، ۱۳۹۳) را با تاکید بر نظریه تحلیل گفتمان ارنستو لاکلا و شنتال موف مورد بررسی قرار داده‌اند. همچنین کریمی فیروزجائی و همکاران دیدگاه‌های امام خمینی (ره) در مورد حقوق متقابل حکومت و مردم (کریمی فیروزجائی و همکاران، ۱۳۹۶) و ابوالفضل مروی گفتمان امام خمینی (ره) را با تاکید بر نظریه تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف مطالعه کرده‌اند (مروی، ۱۳۹۳). جهانگیری و فتاحی نیز گفتمان محمود احمدی‌نژاد در انتخابات دهم ریاست جمهوری را با ترکیبی از نظریه‌های فرکلاف و لاکلا و موف بررسی کرده‌اند (جهانگیری و فتاحی، ۱۳۹۰). اما کاربست نظریه فرکلاف با توجه به ابعاد روش-شناختی‌اش بیشتر ناظر بر دسته چهارم است.

در دسته چهارم آثاری جای می‌گیرند که با اتخاذ شیوه تحلیل گفتمان به عنوان یک روش، به تحلیل یک یا چند متن مشخص پرداخته‌اند. کاربست گفتمان به مثابه یک روش، به‌ویژه نظریه فرکلاف، در مطالعات زبان‌شناسی بسیار رایج است و متون مختلفی از جمله متون مقدس، قصص مقدس، آثار ادبی کهن، رمان، شعر و سخنرانی موضوع چنین مطالعاتی قرار گرفته‌اند که به جهت پرهیز از اطاله بحث، اشاره‌ای به آنها نمی‌شود. اما روش تحلیل گفتمان در تفسیر متون سیاسی نیز بکار گرفته شده است، اگرچه چنین کاربستی بیشتر توسط پژوهشگران حوزه زبان‌شناسی صورت گرفته تا متخصصین علم سیاست. از جمله افخمی و همکاران، سخنرانی‌های ترامپ در موضوع مهاجران (افخمی و همکاران، ۱۳۹۷)، سکری فرد و خمیجانی، سخنرانی حسن روحانی و باراک اوباما پس از توافقنامه ژنو (سکری فرد و خمیجانی، ۱۳۹۵)، ضیائی و همکاران سخنرانی‌های امام خمینی (ره) را یک بار به شکل مجزا (ضیائی و همکاران، ۱۳۸۸) و در جای دیگری در مقایسه با سخنرانی‌های جرج بوش (ضیائی و همکاران، ۱۳۹۱)، کریمی فیروزجائی و حبیبی دو سخنرانی از ترامپ و آیت‌الله خامنه‌ای در خصوص برجام (کریمی فیروزجائی و حبیبی، ۱۳۹۷) و نیز صیادی نجاد و ذکائی، سخنرانی رهبر انقلاب خطاب به مردم مصر را مبتنی بر روش تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف مورد مطالعه قرار داده‌اند (صیادی نجاد و ذکائی، ۱۳۹۶). بشیر و امین نیز سخنرانی‌های حسن روحانی و دونالد ترامپ در مجمع عمومی سال ۲۰۱۷ را مبتنی بر روش تحلیل گفتمان پدام که ترکیبی عملیاتی از الگوهای فرکلاف و ون‌دایک است با یکدیگر مقایسه کرده‌اند (بشیر و امین، ۱۳۹۸). یکی از

شاخص‌ترین آثار که در این دسته قرار می‌گیرد، کتاب «جادوی گفتار: ذهنیت فرهنگی و نظام معانی در انتخابات دوم خرداد» از محمدجواد غلامرضا کاشی است که در آن به تحلیل گفتمان محتوای نشریات سیاسی در آستانه انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۷۶ پرداخته است (غلامرضا کاشی، ۱۳۸۱).

این مقاله در دسته چهارم قرار می‌گیرد چرا که متنی مشخص را مبتنی بر تحلیل گفتمان هم به عنوان چارچوب نظری و هم در قالبی روشی مورد بررسی قرار می‌دهد. اما روش تحلیل گفتمان در این مقاله، نوعی برداشت آزاد از الگوی فرکلاف است که در این فرم اختصاصی شده تاکنون بکار گرفته نشده است. نهایتاً اینکه علی‌رغم تعهد به اصالت زبان‌شناختی نظریه و روش، این مقاله به رویکردی اصالتاً سیاسی متکی است که در آثار مشابهی که عمدتاً توسط متخصصین زبان‌شناسی نگاشته شده کمتر مد نظر بوده است.

چارچوب نظری و روشی

در تحلیل زبان‌شناختی متون، آنجا که واحد تحلیلی فراتر از پاره‌گفتارها و متمرکز بر کلیت متن رفته و معنا در تحلیل مفصل‌بندی مجموعه‌ای از گزاره‌ها جستجو می‌شود از «تحلیل گفتمان» سخن به میان آمده است. گفتمان بر گردان فارسی واژه فرانسوی Discourse به معنای تحت‌اللفظی گفت‌وگو، محاوره و گفتار است (مک دانل، ۱۳۸۰: ۱۰) که در کاربرد تخصصی، دال بر نظام‌های معنایی مبتنی بر زبان است که حقیقت در درون آنها ساخته می‌شود.

از این منظر حقایقی از پیش موجود و بیرون از گفتمان وجود ندارند و تنها در درون گفتمان است که حقایق بازنمایی و برساخته می‌شوند و حقیقت محصول زبان است نه خارج از و مقدم بر آن. واقعیت، وجود بیرونی دارد اما معنای آن درونی است؛ یعنی مادامیکه واقعیت در قالب‌های گفتمانی یا همان سازه‌های زبانی معنابخشی نشود امکان ورود به دایره شناخت سوژه انسانی را نمی‌یابد (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۲۹). زبان است که جهان‌هایی که در آن زیست می‌کنیم و حقایق مکنون در هستی آنها را برمی‌سازد. به عبارت دیگر، هستی خود را با واسطه زبان بر ما می‌گشاید و در نبود زبان، نه فقط برقراری ارتباط و به اشتراک‌گذاری دانسته‌ها، بلکه اساساً اندیشیدن و شناخت ناممکن است. پدیدارهای مادی در این جهان نیز با واسطه زبان، مکشوف ما قرار

می‌گیرند، اما نقش زبان در برخورد با پدیدارهای غیرمادی مضاعف است چراکه موجودیت این پدیدارها ذاتاً محصول زبان و کاربردهای آن است و در شناخت واقعیت‌های غیرمادی که محصول تعاملات زبانی در فضای بین‌الذاتانی سوژه‌ها هستند، با بازنمایی بازنمودها سروکار داریم.

تحلیل گفتمان ابزاری است که فهم چگونگی ساخت حقیقت در درون سازه‌های زبانی را ممکن می‌نماید. با تحلیل گفتمان، فهم‌هایی که در قالب‌های زبانی مختلف از هستی ارائه شده‌اند، واسازی و رمزگشایی می‌شوند تا فرایند تولید حقیقت آشکار گردد. به عبارت دیگر تحلیل گفتمان، آشکارسازی اسرار شعبده‌هایی است که عاملیت‌ها را مبهور و مقهور خود کرده و یا سوژه‌ها را به تحرک واداشته‌اند؛ اما تحلیل‌گر گفتمان، اسیر و مبهور هیچ شعبده‌ای نمی‌شود و در برخورد با تمامی آنها علی‌السویه، دغدغه‌مند رمزگشایی است. از این‌رو اگرچه از آرامش و پناه امنی که حقیقت مطلق می‌آفریند خود را محروم ساخته است، اما می‌تواند به دور از هر گونه تعصب و با حداکثر انعطاف، با حقایق و ارزش‌های برساخته، از منظر فایده‌انگاران و عمل‌گرایانه مواجهه داشته باشد.

می‌توان دو طیف کلی زبان‌شناسانه و انتقادی-اجتماعی را در کاربست تحلیل گفتمان از یکدیگر متمایز کرد و در طیف انتقادی-اجتماعی که بیشترین تناسب را با پژوهش‌های سیاسی دارد؛ کارهای میشل فوکو، ارنستو لاکلا و شنتال موف و نورمن فرکلاف بیشترین نفوذ و اعتبار را داشته‌اند. رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی هم به مطالعه زبان‌شناسی متن و هم به کاربرد زبان در تعاملات اجتماعی متوجه است چراکه از این منظر، گفتمان‌ها و پدیده‌های اجتماعی رابطه‌ای دوسویه و دیالکتیک دارند و فاقد تقدم فلسفی و زمانی بر یکدیگرند. از میان رویکردهای موجود در تحلیل گفتمان انتقادی، نورمن فرکلاف مدون‌ترین نظریه و روش را برای تحقیق در حوزه فرهنگ و جامعه دارا است (میلز، ۱۳۹۳: ۱۴۳).

در تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف، سه بُعد متن، کردار گفتمانی و کردار اجتماعی در سه مرحله تحلیلی توصیف، تفسیر و تبیین، پیگیری می‌شوند. در گام اول و در توصیف، تحلیل‌گر فارغ از بستر و شرایط بیرون متن، صرفاً بر مطالعه ترکیب‌بندی واژگانی و دستوری متن متوجه است. در مرحله توصیف، پژوهش‌گر بر ویژگی‌های صوری متن متمرکز است تا از تحلیل

زبان‌شناختی ساخت‌های زبانی به ارزش‌های تجربی، رابطه‌ای و بیانی متن دست یابد. در گام دوم و در مرحله تفسیر متن، پژوهش‌گر در پی برقراری ارتباط معنایی میان صورت متن با بافت اجتماعی آن است. تحلیل‌گر در این مرحله ابتدا به بافت موقعیتی که متن در درون آن شکل گرفته متوجه است و پرسش‌هایی را سرلوحه قرار می‌دهد که پاسخ به آنها روشن خواهد کرد؛ جان‌مایه اصلی یا تم کانونی متن چیست، سوژه‌ها یا عاملیت‌های اجتماعی آن کیستند و چه نوعی از ارتباط میان این سوژه‌ها و عاملیت‌های اجتماعی در درون متن تصویر شده است. همچنین در مرحله تفسیر، مفروضه‌هایی که متن بر آنها استوار است و نیز متونی که معنای متن در ارجاع به آنها قوام می‌یابد یا همان بینامتنیت‌ها مورد توجه هستند. در پایان این مرحله، پژوهشگر آشکار خواهد کرد که متن در چه بافت زمینه‌ای شکل گرفته است، تم کانونی‌اش یا همان مسئله اصلی چیست، بازیگران آن چه کسانی هستند و چه نوعی از ارتباط با یکدیگر دارند، متن از نظر تاریخی و معنایی با چه متون دیگری در پیوند است و معنای متن با مفروض گرفتن چه گزاره‌هایی قوام یافته است (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۲۴). در گام آخر یا مرحله تبیین، مشخصاً نقش بافت اجتماعی در شکل‌گیری و قوام‌گفتن موضوع مطالعه قرار می‌گیرد و تلاش می‌شود فرایندی که طی آن کنش‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به تعین‌گفتن می‌انجامند، آشکار و تبیین شود (یورگنسن و فیلیس، ۱۳۸۹: ۱۴۸).

در این مقاله برداشتی آزاد از روش تحلیل‌گفتن انتقادی فرکلاف ملاک عمل قرار گرفته است. ایده اولیه این برداشت برگرفته از سخنرانی محمدجواد غلامرضا کاشی در کارگاهی با عنوان «درسنامه تحلیل‌گفتن» است که فایل صوتی آن در کانال اطلاع‌رسانی وی با عنوان «تاملات پراکنده اجتماعی و فرهنگی و سیاسی» در دسترس می‌باشد (غلامرضا کاشی؛ بی تا). این الگوی عملی در ۹ گام مشخص قابل اجرا خواهد بود:

* گام اول؛ تسلیم: باید مانند یک مخاطب ساده تسلیم متن شد، دل به دل مولف داد و به جهان او ورود کرد. بدون هرگونه پیش‌داوری می‌بایست متن را چندین بار خواند و اجازه داد متن مطابق خواست مولف، خواننده را به همان جهانی هدایت کند که می‌خواهد.

* گام دوم؛ ایزودبندی: هر متنی از پاره‌های متعددی تشکیل شده که حول معانی مشخصی گرد آمده است و می‌بایست آنها از یکدیگر تفکیک کرد. این ایزودها چیزی شبیه به پاراگراف‌بندی‌های متعارف در متون هستند اما منطبق طبقه‌بندی لزوماً با پاراگراف‌بندی‌های مولف یکسان نیست.

* گام سوم؛ تم کانونی هر اپیزود: در این گام می‌بایست کلیدی‌ترین و محوری‌ترین پاره‌گفتار در هر اپیزود شناسایی شود؛ هر اپیزود حول یک جمله کلیدی شکل گرفته است.
* گام چهارم؛ تم کانونی متن: در میان جملات کانونی، جمله یا جملاتی هستند که از بقیه مهم‌تر و کلیدی‌تر به نظر می‌رسند که می‌بایست آنها را شناسایی کرد. یک متن می‌تواند تک کانونی یا چند کانونی باشد.

* گام پنجم؛ توالی و تکرار: ترتیب توالی و رفت و برگشت جملات کانونی مهم هستند. میزان تکرار و توالی جملات کانونی گویای سهم و نقش آنها در تم کانونی متن می‌باشند.
* گام ششم؛ شناسایی نظام واژگان ارزشی متن: بسته به زمینه و موقعیت متن، واژگان ارزشی که در متن محوری هستند دسته‌بندی شده و در قالب دسته‌هایی از واژگانی که به یک منظومه ارزشی تعلق دارند از یکدیگر تفکیک می‌شوند.

* گام هفتم؛ شناسایی بسامد واژگان: با شمارش تعداد کاربرد این واژگان مشخص می‌شود که کدام واژگان و کدام منظومه ارزشی بیشترین سهم را در متن دارند.
* گام هشتم؛ شناسایی استراتژی‌های گفتمانی: هر متنی حول برخی استراتژی‌ها قوام یافته است که لازم است مورد شناسایی قرار گیرند:

غیریت‌سازی: بازنمایی هویت در هر متن با تصویرسازی از «خود» و «دیگر» قوام می‌یابد و لازم است این دوقطبی آشکار شود. برای آشکارسازی این دوقطبی می‌بایست به سوالاتی نظیر اینها پاسخ گفت: چه چیزی در متن طرد و چه چیزی تایید شده است؟ «ما» و «آنها» در متن چه کسانی هستند و هر کدام دارای چه ویژگی‌هایی تصویر می‌شوند؟ چه فضیلت‌هایی به خود و چه ردیلت‌هایی به دیگری منتسب شده است؟ میان خود و دیگری چه رابطه‌ای برقرار است، دشمنی، رقابت یا همکاری؟

متن و حاشیه: هر متنی به شکلی بالقوه با مجموعه‌ای از موضوعاتی مرتبط است که امکان طرح شدن را دارند؛ اما به شکلی آشکار برخی بیشتر مورد توجه قرار گرفته و برخی دیگر کم‌اهمیت جلوه کرده و یا نادیده گرفته می‌شوند. لازم است که آشکار شود چه چیزهایی به چه چیزهای دیگری ترجیح داده شده و اولویت بندی‌های تلویحی در متن کدامند.

بینامتنیت یا تداعی: معنای هیچ متنی صرفاً با ارجاع به خود قوام نیافته و با ارجاع به سایر متون معنا می‌یابد. لازم است آشکار شود معنای متن با ارجاع به چه متون دیگری شکل گرفته و آن متون دیگر به چه نظام‌های ارزشی متکی هستند. برای این کار باید به سوالاتی

شبيه به اين پاسخ گفت: چه جملات يا واژگاني در متن يادآور متون ديگري بوده يا از متون ديگري به عايرت گرفته شده است؟ چه تداعي‌هايي متن را هدايت مي‌کنند؟ آيا متن‌هاي ديگري که به آن ارجاع شده است به شکلي هماهنگ به يک منظومه ارزشي يا به تنوعی از منظومه‌های ارزشي متعلق دارند؟

بين خطوط يا ناگفته‌ها: هر متنی بر پاره‌ای از شواهد و گزاره‌های گزينشی استوار می‌شود. هيچ متنی حاوی تمامی حقايق يا شواهد حول موضوع نیست بلکه برای انعقاد زنجيره استدلالی، بخشی از حقايق و شواهد نادیده گرفته شده و پنهان می‌شوند. لازم است آشکار شود که چه چیزهايي نادیده گرفته شده و ناگفته مانده‌اند که اگر گرفته می‌شدند زنجيره استدلالی متن منعقد نشده و يا بنياد آن استوار نمی‌شد.

مفروض‌ها: هر استدلالی همواره بر گزاره‌های مبنایی متکی است که صدق و صحت آنها مفروض گرفته شده است. استدلال و ارائه ادله از نقطه‌ای آغاز می‌شود که آنها پايان یافته تلقی شده‌اند و علی‌الاصول نیازی برای نشان دادن صدق آنها دیده نمی‌شود. لازم است مفروضاتی که متن بر بديهي انگاشتن يا صادق بودن آنها استوار است استخراج و ارائه شوند. اين مفروضه‌ها، گزاره‌هايي هستند که صدق و اعتبارشان، درون گفتمانی است اما در متن، حقايقی برون گفتمانی تلقی می‌شوند تا بنيادی بر شاکله متن باشند.

گام نهم؛ شناسایی سه ساختار اصلی در هر متن: در گام آخر می‌بایست ساختارهای کلی متن مورد شناسایی قرار گرفته و در قالب گزاره‌هايي مصرح ارائه شوند. اين گزاره‌هايي مصرح، بیانگر روح کلی حاکم بر متن می‌باشند که اگرچه در خود متن تصریح نشده‌اند اما در کلیت آن جاری هستند.

ساختار ادراکی: متن چه تصویری از جهان ارائه می‌کند؟ جهانی که تصویر می‌شود چه ماهیت و خصایصی دارد؟

ساختار ارزشي: چه ارزش‌گذاري‌هايي در متن برجسته‌سازی شده است؟ دوگانه‌هايي ارزش/ضد ارزش و هنجار/ناهنجار در متن چه هستند؟ تعاریف و مصادیق خیر/شر و خوبی/بدی در متن چه هستند؟

ساختار تحریکی: از چه کنش‌هايي کلامی در متن استفاده شده است؟ چه راهکاری ارائه شده و چه واکنشی را در مخاطب برانگیخته می‌کند؟ متن با تمامی ابعاد و ظرفیت‌هايي در پاسخ به سوال کلیدی «چه باید کرد؟» چه پاسخی داده است؟

تحلیل گفتمان سخنرانی حسن روحانی در مجمع عمومی سپتامبر ۲۰۱۸

* زمینه و بستر متن

هر متنی در بستر و زمینه‌ای خلق شده و معنای آن در تغییر بستر و زمینه، متحول و متفاوت می‌شود. سخنرانی‌های سیاسی در پیوند و تعامل با محیط سیاسی سوژه‌ها شکل گرفته و کنش‌های گفتاری آن به هدف تاثیر بر و تعامل با عناصر محیط سیاسی سامان می‌گیرند؛ بنابراین هر تحلیل گفتمان، ناگزیر از ملاحظه بستر و زمینه‌هایی است که متن در تعامل با آن شکل گرفته است.

سخنرانی حسن روحانی در مجمع عمومی مورخ ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۸ در وضعیت خاص محیط بین‌المللی و داخلی ایران ایراد شد. دونالد ترامپ، رسماً کشورش را از توافق هسته‌ای میان ایران و شش قدرت جهانی در ۸ مه ۲۰۱۸ (۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷) با امضای فرمانی خارج کرد. بنابراین فرمان تحریم‌های هسته‌ای ایران که بر اساس برجام تعلیق شده بود، طی یک دوره زمانی بازمی‌گشت (بی بی سی، ۱۳۹۷). این اقدام آمریکا به شدت اقتصاد ایران را تحت فشار قرار داده و بسیاری از فرصت‌های اقتصادی را که ایران در پسابرجام برای خود تمهید کرده بود مورد تهدید قرار داد. همچنین این اقدام، دوقطبی آشکاری در نظام بین‌الملل به ظاهر حول موضوع ایران، اما در واقع با هدف مقاومت قدرت‌های اروپایی، چین و روسیه در مقابل نظم سلسله‌مراتبی و یکجانبه‌گرایانه آمریکا شکل داد. دولت روحانی که رزومه سیاسی خود را به برجام گره زده بود، به شدت تحت فشار جریان‌های سیاسی رقیب داخلی قرار گرفت و استقلال تصمیم‌گیری و سیاستگذاری آن در حوزه سیاست خارجی بیش از پیش تضعیف شد. از طرف دیگر سخنرانی روحانی چند ساعت پس از سخنرانی ترامپ ایراد شد و از این منظر بیانیه‌ای در مورد سیاست‌های آمریکا و جوابیه‌ای به سخنان ترامپ نیز محسوب می‌شد.

* جملات کانونی

با توجه به اهمیت سخنرانی رهبران در مجمع عمومی به عنوان فرصتی که سالی یک بار امکان‌پذیر می‌گردد و نیز نقشی که این قبیل متون در تصویرسازی ملی و تبیین رویکردهای کلان سیاسی داخلی و بین‌المللی دارند، این متون معمولاً چندبعدی و

چند کانونی بوده و بر بیش از یک محور کلی استوار هستند. کانونی‌ترین جملات متن به ترتیب زمانی در جدول شماره (۱) آورده شده‌اند.

جدول ۱- جملات کانونی به ترتیب ارائه در متن سخنرانی

ردیف	جملات کانونی
۱	دولت ایالات متحده آمریکا، دست‌کم در صورت هیأت حاکمه کتونی خود، عزم آن دارد که کلیه نهادهای بین‌المللی را بی‌خاصیت سازد.
۲	هرگونه گفت‌وگویی باید در تداوم برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت باشد، نه با اعتراض از آن و بازگشت به گذشته.
۳	رویکرد جمهوری اسلامی ایران در حوزه سیاست خارجی همواره مبتنی بر چندجانبه‌گرایی و پایبندی به اصول شناخته شده حقوق بین‌الملل بوده است.
۴	سازمان ملل متحد نباید اجازه دهد که مصوباتش، گروگان بازی‌های انتخاباتی و تبلیغاتی برخی از اعضا گردد و به هیچ‌عضوی نباید اجازه داد که به دلیل مسائل داخلی، از اجرای تعهدات بین‌المللی شانه خالی کند.
۵	این دو یعنی «دعوت عام برای سرپیچی از قانون» و همچنین «تهدید قانونمداران به مجازات»، برای اولین بار است که در تاریخ این سازمان، اتفاق می‌افتد.
۶	ملت ایران در خلال چهار سال گذشته نشان داده که علیرغم سختی‌ها و تنگناهای ناشی از تحریم‌ها، همچنان مقاوم است و می‌تواند از این مرحله دشوار نیز به خوبی عبور کند.
۷	درک ایالات متحده آمریکا از روابط بین‌الملل، اقتدارگرایانه است. آمریکا فکر می‌کند چون زور دارد حق هم دارد.
۸	ما از شما (آمریکا) دعوت می‌کنیم که به قطعنامه ۲۲۳۱ بازگردید.
۹	موضوع امنیت بین‌الملل، بازیچه سیاست داخلی آمریکا نیست.
۱۰	ما در ایران تمامی اقدامات تروریستی را بدون هرگونه ملاحظه محکوم کرده و می‌کنیم.
۱۱	حضور مشاورین نظامی ما در سوریه به درخواست دولت سوریه انجام شده و منطبق بر حقوق بین‌الملل و برای مبارزه با تروریسم است.
۱۲	بحران یمن صرفاً از طریق گفت‌وگویی‌های یمنی- یمنی و بدون مداخله خارجی، قابل حل است و در این راستا، آماده هر نوع کمک هستیم.
۱۳	اقدام زشت دولت آمریکا در انتقال سفارت این کشور به بیت المقدس و تصویب قانون نژادپرستانه «دولت یهود» در اسرائیل، ناقض موازین بین‌المللی بوده و مصداق بارز آپارتاید است.
۱۴	گسترش روابط با همسایگان و ایجاد منطقه امن‌تر و توسعه‌یافته‌تر، از اولویت‌های اصلی سیاست خارجی ایران است.
۱۵	ایران نگاهی صلح‌طلبانه به مسائل سیاسی و بین‌المللی داشته و بنای جنگ با هیچ‌کشوری را نداشته و ندارد.
۱۶	جهان، دوستی بهتر از ایران نخواهد داشت اگر صلح، آرمان شماست.

با مطالعه توالی، تکرار و تاکید جملات کانونی متن، می‌توان نتیجه گرفت که تم‌های کانونی متن به ترتیب عبارتند از: ۱. محکومیت اقدام آمریکا در خروج از برجام بر اساس موازین حقوق بین‌الملل؛ ۲. تبیین و توجیه اقدامات جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر موازین حقوق بین‌الملل و ۳. پیش‌بینی شکست آمریکا و عدم تحقق اهدافش در خروج از برجام. مطالعه کمی سهم جملات در مجموع سخنرانی سال ۲۰۱۸ نشان می‌دهد که بیش از ۴۳٪ محتوای آن مستقیماً به نقد رفتار ایالات متحده آمریکا اختصاص داشته است، در حالیکه این سهم در سخنرانی سال ۲۰۱۷ تنها ۹٪ و در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ نزدیک به ۰٪ بوده است. همچنین سهم جملاتی که تبیین‌کننده سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال تمامی مسائل جهانی و منطقه‌ای باشند زیر ۴۲٪ بوده است در حالیکه در سخنرانی سال ۲۰۱۷ این موضوع بیش از ۶۵٪ سهم داشته است (حداد، ۱۳۹۸: ۹۵). این به معنای آن است که متن سخنرانی سال ۲۰۱۸ بیش از آنکه بر معرفی «خود» تاکید داشته باشد بر نفی «دیگری» استوار بوده است.

* نظام واژگان ارزشی متن

با بررسی مجموعه واژگان پرکاربرد در متن، چهار خوشه کلی از واژگان از یکدیگر تفکیک شده‌اند: ۱. دولتی، ۲. بین‌المللی، ۳. جنگ و ۴. دیپلماسی. در خوشه دولتی مجموعه‌ای از واژگانی قرار می‌گیرند که بر واحدهای ملی تاکید دارند. در خوشه بین‌المللی مجموعه‌ای از واژگانی قرار می‌گیرند که بر محیط بین‌المللی به عنوان یک جامعه حقوقی ناظر هستند. در خوشه جنگ، مجموعه واژگانی قرار می‌گیرند که بر ابعاد نظامی و خشونت‌آمیز روابط بین‌الملل ارجاع دارند و در خوشه دیپلماسی مجموعه واژگانی گنجانده می‌شوند که مشخصاً بر بعد تعاملی و مبتنی بر مفاهیم و گفتگو در روابط بین‌الملل تاکید دارند. خوشه دیپلماسی از آن جهت از خوشه بین‌المللی تفکیک شده است که از منظری تئوریک، گفتگو و دیپلماسی لزوماً منحصر به جوامع حقوقی نبوده و در آنارشیست‌ترین انواع نظم بین‌المللی نیز به عنوان یک ابزار مد نظر و مورد استفاده می‌باشد. توزیع فراوانی واژگان ارزشی متن در جدول (۲) ارائه شده است:

جدول ۲- توزیع فراوانی واژگان ارزشی در متن

عنوان خوشه واژگانی	واژه و فراوانی آن	فراوانی کل خوشه
دولت‌محوری	دولت: ۲۳ بار (۷ بار در قالب ارجاع غیر مستقیم به ایالات متحده آمریکا، ۵ بار به عنوان پیشوند آمریکا، ۴ بار در قالب ارجاع به جمهوری اسلامی ایران، ۳ بار به عنوان پیشوند سوریه، یک بار به در قالب ترکیب «دولت یهود» و ۳ بار در معنای عام به کار رفته است) ایران: ۲۹ بار آمریکا: ۲۸ بار (۱۷ بار مستقیم، ۷ بار مرجع واژه دولت و ۳ بار مرجع ضمیر «برخی») سوریه: ۶ بار یمن: ۴ بار اسرائیل: ۳ بار (۲ بار مستقیم و ۱ بار در قالب دولت یهود) روسیه: ۲ بار فلسطین: ۲ بار اتحادیه اروپا و چین و ترکیه و عراق: ۱ بار	۸۱ بار (با کسر موارد هم‌پوشان کاربرد واژه «دولت» با سایر واژگان)
بین‌الملل‌محوری	بین‌المللی: در ترکیبات مختلف ۲۲ بار (نهادهای بین‌المللی ۵ بار، حقوق - مقررات و موازین - بین‌المللی ۷ بار، سازمان‌های بین‌المللی ۴ بار، تعهدات بین‌المللی ۲ بار، جامعه بین‌المللی ۱ بار، امنیت بین‌المللی ۱ بار، دیوان کیفری بین‌المللی ۱ بار، آژانس بین‌المللی ۱ بار) جهان: ۱۳ بار صلح: ۸ بار قانون: ۷ بار حقوق: ۷ بار شورای امنیت: ۸ بار قطعنامه ۲۲۳۱: ۶ بار سازمان ملل (مستقیم و غیر مستقیم): ۵ بار چندجانبه و یک جانبه: ۵ بار مسئولیت: ۳ بار مشروع: ۲ بار جنایت علیه بشریت: ۱ بار جنایت جنگی: ۱ بار	۸۸ بار

ادامه جدول ۲-

عنوان خوشه واژگانی	واژه و فراوانی آن	فراوانی کل خوشه
جنگ محوری	جنگ: ۱۱ بار تروریسم: ۱۱ بار تحریم: ۹ بار زور: ۵ بار داعش: ۳ بار القاعده: ۲ بار طالبان: ۳ بار النصره: ۱ بار	۴۵ بار
دیپلماسی محوری	مذاکره (گفتگو): ۱۵ بار برجام: ۹ بار همکاری: ۳ بار دیپلماسی: ۱ بار	۲۷ بار
سایر	خلیج فارس: ۳ بار دریای خزر: ۳ بار خاور میانه: ۲ بار غرب: ۴ بار شرق: ۱ بار اقتصاد: ۲ بار (یکبار جنگ اقتصادی و دیگری تروریسم اقتصادی)	-

در خوشه دولت محوری دو دولت ایران و آمریکا تقریباً به یک اندازه ارجاع واژگانی دریافت کرده‌اند که البته در ارجاع محتوایی سهم آمریکا بیش از ایران بوده است. از آنجا که حسن روحانی به نمایندگی از دولت ایران سخن می‌گوید، سهم برابر در ارجاع واژگانی گویای غیریت محوری عمیق متن و برجستگی هویت‌سازی پدیده آمریکا در قوام هویتی جمهوری اسلامی ایران در زمینه کنونی است. وقتی این ارجاع واژگانی با سخنرانی‌های سال‌های پیش مقایسه شود اهمیت زمینه کنونی برجسته‌تر می‌نماید؛ در سال ۲۰۱۸ به ایران ۲۹ بار و به آمریکا ۲۸ بار به شکل مستقیم و غیرمستقیم ارجاع شده است در حالیکه در سال ۲۰۱۷ به ایران ۲۶ بار و به آمریکا تنها ۷ بار ارجاع بوده است. در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۵ یعنی زمانیکه هنوز دولت اوباما بر سر کار است این ارجاعات ناچیز و در مجموع دو سال زیر ۵ مورد بوده است. همچنین نوع ارجاع نیز

نشان‌دهنده تغییر زمینه است. متأثر از ویژگی‌های فرهنگ سیاسی ایرانی و نیز ادبیات خاص حسن روحانی، در سخنرانی‌های سال‌های گذشته گرایش بیشتری در استفاده و ارجاع غیرمستقیم دیده می‌شود در حالیکه در سال ۲۰۱۸ به نظر می‌رسد که گرایش به مواجهه رودررو بیشتر بوده و از ارجاعات مستقیم استفاده می‌شود. در این سخنرانی از ۲۸ باری که به آمریکا اشاره شده است ۱۷ بار مستقیماً از آمریکا اسم برده شده و ۱۰ بار آن در قالب مرجع به عبارات «دولت» و «برخی» بوده است. در حالیکه در سال ۲۰۱۷ تنها ۳ بار از آمریکا اسم برده شده و ۴ بار دیگر در قالب عباراتی چون «برخی»، «آنها» و «نااهلان سیاست» مورد اشاره قرار گرفته است. همچنین اطلاق واژه «دولت» به آمریکا - ۷ مورد به عنوان مرجع اطلاق و ۵ مورد به عنوان پیشوند و در مجموع ۱۳ مورد در مقایسه با ۴ مورد اطلاق به ایران و تعداد کمتر به سایر دولت‌ها - نشان از تاکید حسن روحانی بر مسئولیت حقوقی ایالات متحده به عنوان یک «دولت» دارد که در وضع موجود ایفا نشده است.

سوریه ۶ بار و یمن ۴ بار مورد اشاره مستقیم قرار گرفته‌اند و بعد از ایران و آمریکا بیشترین سهم واژگانی را دارا هستند و این نشان از اهمیت این دو کشور در سیاست خارجی ایران فراتر از روسیه، چین و اتحادیه اروپا دارد. نکته حائز اهمیت دیگر، تغییر در شیوه ارجاع به دولت اسرائیل است. در سال‌های گذشته حسن روحانی عمدتاً از تعبیر رژیم صهیونیستی استفاده کرده و در استفاده از واژه اسرائیل پرهیز داشته است در حالیکه در سخنرانی سال ۲۰۱۸ مشخصاً از واژه «اسرائیل» استفاده کرده است. چرایی این تغییر در شناسایی کلیت ساختاری متن قابل درک است؛ همانگونه که در ادامه بحث خواهد شد هدف اصلی متن در بازنمایی تصویر جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک بازیگر متعهد به حقوق بین‌الملل است و لذا در استفاده از تعابیری که ممکن است چنین تصویری را مخدوش نماید آگاهانه پرهیز شده است.

خوشه بین‌الملل محوری بیشترین سهم را در مجموعه واژگان متن به خود اختصاص داده است. به شکل اغراق آمیزی در متن سخنرانی بر اهمیت نهادها، سازمان‌ها و حقوق بین‌المللی تاکید شده و نظام بین‌الملل کلیدی هم‌پیوند و متکی بر نظامی حقوقی و هنجاری شبیه به یک جامعه وحدت‌گرا تصویر شده است. تعبیری نظیر «جهان» که معنای کلیدی هم‌پارچه را متبادر می‌کند ۱۳ بار در متن تکرار شده است و ترکیبات مختلف با پسوند

«بین‌المللی» ۲۲ بار در متن حضور یافته‌اند. همچنین «صلح»، «قانون» و «حقوق» در مجموع ۲۲ بار تکرار شده‌اند.

خوشه جنگ‌محورانه در رده سوم اهمیت قرار دارد که مجموعه واژگان ناظر بر رفتارهای خشونت‌آمیز در روابط بین‌المللی را شامل می‌شود و البته شیوه کاربرد واژه «تحریم» توسط حسن روحانی به گونه‌ای بوده که این واژه نیز در این خوشه قابل دسته‌بندی است. مجموعه این واژگان عمدتاً در کاربرد به «دیگری» ارجاع داشته‌اند؛ درست در مقابل مجموعه واژگان دیپلماسی‌محوری که در متن به عنوان ویژگی یا گرایش و یا دستاورد جمهوری اسلامی ایران موضوع استفاده قرار گرفته‌اند. کاربرد برخی دیگر از واژگان که در هیچ یک از خوشه‌ها نمی‌گنجد نیز می‌تواند حاوی تعبیر و معانی مشخصی باشد. از جمله استفاده برابر از «دریای خزر» و «خلیج فارس» که نشان از توازنی نامتعارف میان دو پدیده با ارزش‌های سیاسی نابرابر دارد و یا اینکه از «غرب» چهار برابر «شرق» استفاده شده که می‌تواند باز هم نشان از غیریت‌محوری رادیکال متن داشته باشد؛ بویژه اینکه تنها استفاده از «شرق» جایی بوده که ایران به عنوان پلی از شرق به «غرب» معرفی شده است و در اینجا باز هم غرب است که برجسته می‌شود. همچنین «اقتصاد» که هم از مهمترین اولویت‌های دولت روحانی بوده و هم بطور معمول مهمترین بخش از سخنرانی رهبران جوامع در حال توسعه در مجمع عمومی محسوب می‌شود در این سخنرانی تنها ۲ بار مورد استفاده قرار گرفته و آن هم در قالب ترکیب‌های «جنگ اقتصادی» و «تروریسم اقتصادی».

* استراتژی غیریت‌سازی

نظام واژگان ارزشی نشان می‌دهد، متن؛ آشکارا دوقطبی و مبتنی بر فرهنگ تعارض مفصل‌بندی شده است. در قطب شرق، آمریکا به حدی تصریح شده است که پدیده‌های دیگر از جمله اسرائیل، وابسته به آن و در مقایسه بسیار ناچیز نسبت به آن تصویر شده‌اند و همچنین در قطب خیر، جمهوری اسلامی ایران در موقعیت و منزلتی یگانه قرار دارد. جدول (۳) جملاتی که در تصویرسازی «خود» (جمهوری اسلامی ایران) و «دگر» (ایالات متحده آمریکا) و انتساب ویژگی‌هایشان در متن به کار برده است را به تفکیک ارائه می‌کند.

جدول ۳- معرفی و انتساب ویژگی‌ها به خود و دیگری در قالب استراتژی غیریت‌سازی

دگر (ایالات متحده آمریکا) ایالات متحده آمریکا چه پدیده‌ای است و چه رذایلی به آن متسبب است؟	خود (جمهوری اسلامی ایران) جمهوری اسلامی ایران چه پدیده‌ای است و چه فضائلی به آن متسبب است؟
<p>خودسری و بی‌توجهی به ارزش‌ها و نهادهای بین‌المللی می‌کند.</p> <p>تقویت ناسیونالیسم افراطی، نژادپرستی و بیگانه‌ستیزی می‌کند.</p> <p>نمایش مضحک با تشکیل غیر معمول شورای امنیت به راه می‌اندازد.</p> <p>خیال‌پردازی می‌کند.</p> <p>با سلب صلح و امنیت دیگران برای خود امنیت می‌خواهد.</p> <p>با ایجاد ناامنی ساختگی از دیگران باج‌خواهی می‌کند.</p> <p>با چندجانبه‌گرایی مقابله می‌کند.</p> <p>ضعف اندیشه دارد و جهان را نمی‌شناسد.</p> <p>دولتی اقتدارگراست که دشمن صلح و پدر جنگ است.</p> <p>می‌خواهد کلیه نهادهای بین‌المللی را بی‌خاصیت سازد.</p> <p>بر خلاف قواعد و حقوق بین‌الملل از یک توافق چندجانبه بین‌المللی خارج شده است.</p> <p>به دولت بودن خود آگاه نیست.</p> <p>اصل حقوقی مسئولیت دائمی دولت‌ها را نمی‌شناسد.</p> <p>دولتی بدعهد است.</p> <p>دولتی ارتجاعی بوده که در پی براندازی دولت ایران است.</p> <p>در برجام به تعهداتش وفادار نبوده و نقض تعهد کرده است.</p> <p>تعهدات بین‌المللی را گروگان مسائل داخلی و بازی‌های انتخاباتی کرده است.</p> <p>از همه دعوت می‌کند نقض قانون کنند.</p> <p>قانون‌مداران را به مجازات تهدید می‌کند.</p> <p>با تحریم، تروریسم اقتصادی می‌کند.</p> <p>در مقابل خواست مردم ایران لجاجت می‌کند.</p> <p>درکش از روابط بین‌الملل اقتدارگرایانه و زورمدارانه است.</p> <p>امنیت بین‌المللی، بازیچه سیاست داخلی‌اش است.</p> <p>تهدید و تحریم ظالمانه کرده و اصول اخلاقی و حقوق بین‌الملل را نقض می‌کند.</p> <p>با کمک‌های مالی سیاسی و تسلیحاتی جنایات اسرائیل را ممکن کرده است.</p> <p>انتقال سفارتش به بیت‌المقدس نقض موازین بین‌المللی و مصداق آبارتاید است.</p>	<p>رویکردش در سیاست خارجی مبتنی بر چندجانبه‌گرایی و پایبندی به اصول شناخته شده حقوق بین‌الملل بوده است.</p> <p>برجام سندی بر تعهدش به چندجانبه‌گرایی و حقوق بین‌الملل است.</p> <p>بنابر گزارش‌های آژانس به تمامی تعهداتش پایبند بوده است.</p> <p>قدمتی تاریخی و فرهنگی غنی و اهمیتی ژئوپولیتیک دارد.</p> <p>همکاری با او مبارک است.</p> <p>در مبارزه با تروریسم با دوستان همکاری می‌کند.</p> <p>درکش از روابط بین‌الملل بر اقتدار مشروع و قانونی است.</p> <p>بهترین راه را گفتگو می‌داند.</p> <p>گفتگوی را توصیه می‌کند که مبتنی بر عدالت، برابری، قواعد و حقوق بین‌المللی است.</p> <p>در موضع یک مصلح، دشمنان را به بازگشت به قانون و نهادهای بین‌المللی دعوت می‌کند.</p> <p>از موضع اقتدار مقابله به مثل می‌کند (تعهد در برابر تعهد)</p> <p>جنگ، تحریم، تهدید و زورگویی را نمی‌پذیرد.</p> <p>حامی صلح و دموکراسی در خاورمیانه است.</p> <p>تسلیمات کشتار جمعی را حرام می‌داند.</p> <p>قربانی تروریسم است و تروریسم را محکوم می‌کند.</p> <p>حضورش در سوریه مطابق حقوق بین‌الملل است.</p> <p>برای امنیت سوریه همکاری مثبت با سایرین دارد.</p> <p>برای حل مسئله یمن آماده کمک است.</p> <p>اولویتش گسترش روابط با همسایگان و ایجاد منطقه‌ای توسعه یافته و امن است.</p> <p>حسن همجواری‌اش را در رژیم حقوقی دریای خزر اثبات کرده است.</p> <p>حاضر است حسن همجواری‌اش را در خلیج فارس اثبات نماید.</p> <p>نگاهی صلح‌طلبانه دارد.</p> <p>فرهنگ و تمدنی بزرگ دارد و بل بین شرق و غرب است.</p> <p>از بقیه جهان هوشیارتر است و رژیم بعث، طالبان و داعش را زودتر از بقیه جهان شناخته است.</p> <p>دوست جهان است.</p>

با بررسی ویژگی‌های منتسب به خود و دیگری در قالب جدول فوق، آشکار می‌گردد که ارزش‌میزه خود از دیگری در متن، «تعهد به قانون و حقوق بین‌الملل» است. عبارت دیگر جمهوری اسلامی ایران در کانون قطب خیر قرار دارد چون بازیگری متعهد به حقوق بین‌الملل، حامی صلح و دموکراسی، مخالف تسلیحات کشتار جمعی و باورمند به گفتگو و چندجانبه‌گرایی است. در مقابل، ایالات متحده آمریکا در کانون قطب شر قرار دارد چون بی‌توجه به نهادها و حقوق بین‌الملل، عامل ناامنی و به خطر انداختن صلح، دشمن واقعی دموکراسی، بانی گسترش تسلیحات کشتار جمعی در جهان و یکجانبه‌گرا و بی‌تعهد به گفتگوهای چندجانبه است. همچنین در این متن به نوعی دوگانه آرمانگرایی/واقع‌گرایی یا حقوق بین‌الملل در مقابل سیاست بین‌الملل بازنمایی شده است به نحوی که در آن آرمانگرایی و تعهد به حقوق بین‌الملل نوعی هنجار و واقع‌گرایی و تعهد به سیاست قدرت در عرصه بین‌الملل نوعی ناهنجاری تعریف می‌شود.

* استراتژی متن و حاشیه

در قالب استراتژی متن و حاشیه، مولف در میان انبوهی از مقولاتی که می‌توانند در ارتباط با بستر گفتمانی مطرح باشند، برخی را برگزیده و برجسته نموده و متن خود را حول آنها مفصل‌بندی می‌کند. تبعاً مقولات مرتبط دیگر آگاهانه و یا به شکلی اجتناب‌ناپذیر نادیده گرفته شده و یا کم‌اهمیت جلوه داده می‌شوند. بررسی نظام ارزشی واژگان و تحلیل تم کانونی نشان می‌دهد که در این سخنرانی، «متن» همانا «حقوق، نهادها و سازمان‌های بین‌المللی» است. همچنین بر اساس تحلیلی که از استراتژی غیریت‌سازی در قالب یک دوانگاری به دست داده شد «قدرت و سیاست بین‌الملل» نیز از موضع نفی در «متن» قرار می‌گیرد. مهمترین و اصلی‌ترین مسئله‌ای که ارزش توجه دارد این است که حقوق بین‌الملل و نهادهای بین‌المللی به دلیل رفتار ناهنجار یک بازیگر بی‌تعهد موضوع تهدید قرار گرفته است.

مقولات بسیاری نیز آگاهانه و یا به شکلی اجتناب‌ناپذیر در حاشیه قرار گرفته‌اند که می‌توان با مروری ساده بر سخنرانی سایر رهبران، آنها را آشکار کرد. بطور معمول در سخنرانی رهبران سیاسی در مجمع عمومی طیف گسترده‌ای از موضوعات

مورد توجه قرار می‌گیرند که سهم هر یک از این موضوعات، تناسبی منطقی با دغدغه‌ها و نیازهای کشورهای کشور متبوع سخنرانان برقرار می‌کند. در مجمع عمومی، سخنرانان از یک سو تلاش می‌کنند ضمن معرفی کشور متبوع خود ظرفیت‌هایی را برای حل مشکلات کشورشان فعال نمایند و از سوی دیگر از ظرفیت‌هایی بگویند که کشورشان می‌تواند متکی بر آنها نقشی بین‌المللی در راستای اهداف جامعه بین‌الملل برعهده بگیرد. عموماً رهبران کشورهای شمال از محیط زیست، مهاجرت، دموکراسی، حقوق بشر، آزادی‌های مدنی و لزوم آزادسازی‌های تجاری در اقتصاد بین‌الملل می‌گویند و رهبران کشورهای جنوب نیز بیشتر بر توسعه، رفاه، امنیت و لزوم کمک‌های بین‌المللی تاکید دارند. اما در این سخنرانی، حقوق بین‌الملل با رویکردی تاییدی و سیاست بین‌الملل با رویکردی انکاری در متن قرار گرفته‌اند و محتوای متن در حدی از فربه‌گی است که سایر مقولات ممکن و البته مهم نه فقط در حاشیه که در عمل نادیده گرفته شده‌اند. در این سخنرانی نشانی از دغدغه‌های عمومی متعارف از جمله محیط زیست، اقتصاد، توسعه و رفاه، دموکراسی و حقوق بشر دیده نمی‌شود و این مقولات بطور کامل حاشیه‌ای شده‌اند.

* بینامتنیت یا استراتژی تداعی

معنای هر متن به ناگزیر با ارجاع به سایر متون قوام می‌یابد و از این منظر به دشواری می‌توان گزاره‌هایی را در متن یافت که معنایشان قائم بالذات منعقد شده باشد. در مجموع، متن مورد مطالعه در معنای کلی خود بسیار متکی به متونی است که با رویکردی انتقادی و از منظر آرمات گرایانه، اخلاقی و حقوقی به سیاست بین‌الملل نگریسته‌اند و بنیان استدلالی آن نیز وام‌دار مفروضات چنین ادبیاتی است. اما در جزئیات نیز می‌توان ارجاعاتی در قالب استراتژی تداعی در متن جستجو کرد؛ به گونه‌ای که گویای ظرافت‌هایی است که می‌تواند نفوذ و تاثیر کلام را افزایش دهد. در جدول (۴) گزاره‌هایی فهرست شده‌اند که از این منظر قابل ارزیابی هستند؛ البته این عبارات صرفاً گزاره‌های منتخب می‌باشند و تداعی‌های متن محدود به این عبارات نیست.

جدول ۴- گزاره‌های مرجوعی به سایر متون در قالب تداعی

تداعی	گزاره
ارجاع به متونی که فاشیسم و ناسیونال سوسیالیسم رادیکال را به عنوان ویژگی ممیز بانیان جنگ جهانی دوم معرفی می‌کنند. در این گزاره تلاش شده است که با تداعی تفکر نازی، به نوعی ایالات متحده با متحدین و ترامپ با هیتلر مقایسه شود.	اما متأسفانه در جهان امروز شاهد حاکمانی هستیم که فکر می‌کنند با تقویت ناسیونالیسم افراطی، نژادپرستی و بیگانگی‌ستیزی که یادآور تفکر نازی‌هاست...
ارجاع به متونی که دوگانه‌ای میان قدرت بازو و قدرت اندیشه برقرار می‌کنند و دومی را به اولی ترجیح می‌دهند. در قالب این تداعی، ایالات متحده به موجودیتی تشبیه می‌شود که از زور بازو بهره‌مند و از قدرت خرد بی‌بهره است که در آن متون، عموماً نماد حماقت است.	مقابله با چندجانبه‌گرایی، نه نشانه قدرت بازو، که علامت ضعف اندیشه است.
ارجاع به متونی که مفهوم باج‌گیری را شکل داده‌اند و البته خارج از متون متعارف روابط بین‌الملل دسته‌بندی می‌شوند. در این تداعی، ایالات متحده به باج‌گیری تشبیه می‌شود که دیگران برای پرهیز از آسیبی که از طرف وی متوجه‌شان می‌شود به او باج می‌دهند.	باید مجال رشد به این تفکر را ندهیم که می‌توان با ایجاد ناامنی ساختگی، از دیگران باج‌خواهی کرد.
ارجاع به متونی که رقابت‌های انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده را معنا می‌کنند. این عبارات به معنای آن متون گره می‌خورد و با تداعی مسائلی که در آنها طرح شده است نقض تعهدات برجامی آمریکا را نتیجه یک بازی انتخاباتی معرفی می‌کند.	سازمان ملل متحد نباید اجازه دهد که مصوباتش، گروهان بازی‌های انتخاباتی و تبلیغاتی برخی از اعضا گردد و به هیچ عضوی نباید اجازه داد که به دلیل مسائل داخلی، از اجرای تعهدات بین‌المللی شانه خالی کند
ارجاع به متونی که تروریسم را مفهوم‌بندی می‌کنند. از آنجاکه تروریسم بزرگترین ناهنجاری و یا ضدارزش جهان معاصر محسوب می‌شود که در مورد آن اتفاق نظر نسبی وجود دارد، ایجاد پیوند معنایی میان تحریم و تروریسم، تلاشی است در راستای این -همانی‌سازی و جانمایی تحریم به عنوان یک ناهنجاری و ضد ارزش.	تحریم‌های یکجانبه و نامشروع، خود نوعی تروریسم اقتصادی است.
ارجاع به رمان «خوشه‌های خشم» اثر جان اشتاین بک که البته محتوای داستان به دشواری قابلیت تطبیق با وضعیت سیاست بین‌الملل می‌یابد. اما به نظر می‌رسد حسن روحانی تلاش دارد از بی‌عدالتی به عنوان تم اصلی داستان خوشه‌های خشم، برای تبیین تلویحی از وضعیت سیاست بین‌الملل معاصر بهره بگیرد.	آنچه انباشت می‌شود، خوشه‌های خشم ملت‌هاست که نصیب زورگویان خواهد شد.

ادامه جدول ۴-

تداعی	گزاره
ارجاع دارد به تعبیری که محمود احمدی‌نژاد درباره تحریم‌های شورای امنیت به کار برده است. در چنین ارجاعی دو هدف مستتر است: نخست ابراز تمایز میان رویکرد حسن روحانی با رویکرد محمود احمدی‌نژاد و دیگر تداعی مشابهت میان دونالد ترامپ و محمود احمدی‌نژاد.	قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد، «ورق پاره» نیست.
ارجاع مجدد به متونی که تروریسم - از نوع تکفیری - را معرفی می‌کنند. تکفیر عبارتی است که اگرچه ریشه در متون مذهبی دارد اما در شرایط جدید تداعی‌کننده اندیشه‌ای است که موج جدید تروریسم بین‌الملل را تغذیه می‌کند. همنشینی میان تحریم و تکفیر تلاشی است برای برقراری پیوند هم‌عرضی میان آنها.	تحریم نکنید که تحریم و تکفیر دو روی یک سکه است؛ در تکفیر، اندیشه انسان‌ها انکار می‌شود.
ارجاع به متونی که ابعاد نمایشی و تشریفاتی در دیپلماسی را معرفی می‌کنند و در آنها این بعد از دیپلماسی عمدتاً غیرواقعی، ظاهر‌سازانه و گاه فریبکارانه تصویر می‌شود. این تداعی ترامپ را به سیاستمداری تقلیل می‌دهد که دغدغه‌مند لایه‌های سطحی و نمایشی سیاست است.	برای گفت‌وگو نیازی به گرفتن عکس‌های دو نفره نیست.
ارجاع به متن آیه شریفه ۴۵ سوره مائده آنجا که از قانون مقابله به مثل - و در تورات بر بنی اسرائیل حکم کردیم که نفْس را در مقابل نفْس قصاص کنید و چشم را مقابل چشم و... - می‌گوید.	سخن ما روشن است: تعهد در برابر تعهد، نقض در برابر نقض، تهدید در برابر تهدید و گام در برابر گام، به جای حرف در برابر حرف.
ارجاع به متونی که نژادپرستی در قالب رژیم آپارتاید در آفریقای جنوبی را معرفی می‌کنند. این تداعی تلاشی است برای برقراری رابطه هم‌عرضی میان اسرائیل و رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی.	تصویب قانون نژادپرستانه «دولت یهود» در اسرائیل، ناقض موازین بین‌المللی بوده و مصداق بارز آپارتاید است
ارجاع به متونی که درباره ایران باستان و تاریخ امپراتوری ایران هستند. در این تداعی حسن روحانی هم از تصویرسازی رقبای منطقه‌ای ایران که این کشور را به دنبال احیای گذشته سیاسی و دولتی در پی تغییر وضع موجود معرفی می‌کنند برآنت می‌جوید و هم ایران امروز را در پیوند و در تداوم تمدن ایران بزرگ به عنوان یکی از گهواره‌های تمدن بشری معرفی می‌کند.	ایران نیازی به امپراتوری ندارد. ایران نه بر اساس سیاست که در فرهنگ و تمدن خود یک امپراتوری است
ارجاع به سه رویداد مختلف که هر سه برای افکار عمومی غرب بسیار مهم بوده و متون مشخص و معیّری در اذهان غربی دارند. جنگ اول خلیج فارس، یازدهم سپتامبر و حملات تروریستی بزرگ در اروپا تداعی‌کننده احساسات و خاطرات ناخوشایندی هستند و در اینجا ایران به عنوان پدیده‌ای معرفی می‌شود که با عوامل شکل‌دهنده به این سه رویداد ناخوشایند مقابله کرده است.	ما با حزب بعث می‌جنگیدیم قبل از آن که کویت توسط آنها اشغال شود. ما با القاعده و طالبان می‌جنگیدیم قبل از آنکه به نیویورک حمله شود. ما با داعش می‌جنگیدیم قبل از آن که در پاریس و لندن و بروکسل عملیات کنند

* استراتژی بین خطوط یا ناگفته‌ها

هر متنی بر پاره‌ای از شواهد و گزاره‌های گزینشی استوار می‌شود. هیچ متنی حاوی تمامی حقایق یا شواهد حول موضوع نیست بلکه همواره برای انعقاد زنجیره استدلالی، بخشی از حقایق و شواهد نادیده گرفته شده و پنهان می‌شوند. معنای متن همواره به قیمت پنهان کردن و نادیده انگاشتن بخشی از حقیقت و برجسته‌سازی بخش‌های دیگر منعقد می‌شود. اما چه چیزهایی نادیده گرفته شده و ناگفته مانده‌اند که اگر گفته می‌شدند زنجیره استدلالی متن منعقد نشده و یا بنیاد آن استوار نمی‌شد؟ لازم به ذکر است که استخراج استراتژی ناگفته‌ها، بیش از سایر مراحل خوانش متن به ذهنیت تحلیل‌گر گفتمان وابسته است چرا که سایر بخش‌ها با آنچه گفته شده است محدود و مشروط می‌شوند، اما این بخش بر اساس آنچه گفته نشده، مبسوط و موسع می‌شود و هر چه زمینه گسترده‌تر باشد فضاهای همپوشان در میان اذهان کمتر خواهد بود. بنابراین می‌توان از یک متن، بین خطوط و ناگفته‌های متفاوتی را از منظر تحلیل‌گران مختلف استخراج کرد که همه آنها نیز از نگاه مخاطب معتبر و قانع‌کننده ارزیابی شوند. در جدول (۵) برخی از بین خطوط متن که به نظر می‌رسد نقشی کلیدی در انعقاد معانی کلی داشته‌اند فهرست شده است.

جدول ۵- برخی از مهمترین ناگفته‌ها و بین خطوط متن

بین خطوط (ناگفته‌ها)	خطوط (گفته‌ها)
گفته نمی‌شود که ایجاد امنیت در سایه همکاری چه کشورهایی امکان‌پذیر است و اینکه ایران حاضر به همکاری با برخی از کشورها نیست.	پیام حضور ما در اینجا آن است که ایجاد منافع و امنیت جهان با کمترین هزینه، در سایه هماهنگی و همکاری کشورها امکان‌پذیر است.
گفته نمی‌شود که جمهوری اسلامی در خصوص حضور نظامی و امنیتی ایران در سایر کشورها توسط مخالفان متوجه همین اتهام است.	باید برای همیشه این خیال‌پردازی را کنار بگذاریم که می‌توان با سلب امنیت و صلح از دیگران، صلح و امنیت بیشتری را برای خود دست و پا کرد.
گفته نمی‌شود که از نظر روحانی اقتدارگرایی چیست و چه شاخصی دارد. این گزاره به نوعی است که مرجع آن امریکاست یعنی آمریکا یک دولت اقتدارگرا است و متقابلاً ایران یک دولت دموکراتیک.	دولت‌های اقتدارگرا دشمنان صلح و پدران جنگ هستند.

ادامه جدول ۵-

خطوط (گفته‌ها)	بین خطوط (ناگفته‌ها)
این دولت در حالی که برخلاف قواعد و حقوق بین‌الملل، از یک توافق چندجانبه مصوب شورای امنیت خارج شده، جمهوری اسلامی ایران را به گفت‌وگوی دوجانبه می‌خواند.	گفته نمی‌شود که بر اساس قواعد داخلی آمریکا برجام یک توافق بین‌المللی محسوب نمی‌شود. در این قطعی‌سازی آمریکا نماد قانون‌شکنی و جمهوری اسلامی نماد قانون‌گرایی تصویر می‌شود. همچنین گفته نمی‌شود که در هر شرایطی حتی در حضور آمریکا در برجام نیز جمهوری اسلامی حاضر به گفتگوی دوجانبه با آمریکا نیست.
رویکرد جمهوری اسلامی ایران در حوزه سیاست خارجی همواره مبتنی بر چندجانبه‌گرایی و پابندی به اصول شناخته شده حقوق بین‌الملل بوده است.	گفته نمی‌شود که البته مصادیق قابل توجهی در طول چهار دهه گذشته توسط منتقدان عملکرد ایران مطرح شده است که نشان می‌دهد جمهوری اسلامی در آن به اصول حقوق بین‌الملل و چندجانبه‌گرایی متعهد نبوده است.
... لکن آمریکا از همان ابتدا به اجرای تعهداتش وفادار نماند و متعاقباً دولت فعلی آمریکا به بهانه‌های واهی با نقض تعهدات خود از این توافق خارج شد.	گفته نمی‌شود که ایران منافع سیاسی و اقتصادی برجام را برای همه طرف‌ها به جز آمریکا هدایت و تضمین کرد و با اینکه ایالات متحده مهمترین امتیازات سیاسی را در به ثمر رسیدن این توافق داده بود اما سهمی از دستاوردهای اقتصادی آن نیافت.
جنگ اقتصادی که آمریکا تحت عنوان تحریم‌های تازه، آغاز کرده نه تنها مردم ایران را هدف قرار داده بلکه آثار زیان‌باری برای مردم کشورهای دیگر داشته و در روند تجارت جهانی اختلال کرده است.	گفته نمی‌شود که جمهوری اسلامی ایران خود از مخالفین جدی جهانی شدن و آزادی تجارت بوده و روندهای تجارت جهانی را ابزاری در دست امپریالیسم می‌داند.
ملت ایران در خلال چهل سال گذشته نشان داده که علی‌رغم سختی‌ها و تنگناهای ناشی از تحریم‌ها، همچنان مقاوم است و می‌تواند از این مرحله دشوار نیز به خوبی عبور کند. تاریخ هزاران ساله کشور ما نشان می‌دهد که ایران و ایرانی در مقابل طوفان حوادث هرگز نشکسته و حتی سر خم نکرده است.	گفته نمی‌شود که معیشت مردم به چه میزان از تحریم‌ها آسیب دیده است، صداهای مخالف در داخل نادیده گرفته شده و معیاری برای احصاء نظر مردم ارائه نمی‌شود. همچنین تصویری دلخواهانه از تاریخ ایران ارائه می‌شود چرا که می‌شود مصادیق زیادی در تاریخ ایران ارائه کرد که در آن ایران و ایرانی سرخم کرده و حتی شکسته است.
ما از صلح و دموکراسی در همه منطقه خاورمیانه حمایت می‌کنیم.	گفته نمی‌شود تعریف جمهوری اسلامی از مفاهیم «صلح» و «دموکراسی» با تعریف دولت‌های اروپایی و آمریکا متفاوت است. همچنین گفته نمی‌شود مرجع «همه منطقه خاورمیانه» موجودیت اسرائیل را شامل نمی‌شود.

ادامه جدول ۵-

خطوط (گفته‌ها)	بین خطوط (ناگفته‌ها)
ما در ایران تمامی اقدامات تروریستی را بدون هرگونه ملاحظه محکوم کرده و می‌کنیم.	گفته نمی‌شود تعریف جمهوری اسلامی از تروریسم و گروه‌های تروریستی با تعریف دولت‌های اروپایی و آمریکا متفاوت است و مشخصاً گروه‌ها و اقداماتی که در راستای مفهوم «مقاومت» ارزیابی می‌شوند توسط جمهوری اسلامی ایران محکوم نمی‌شوند.
در همین راستا، حضور مشاورین نظامی ما در سوریه به درخواست دولت سوریه انجام شده و منطبق بر حقوق بین‌الملل و برای مبارزه با تروریسم است.	گفته نمی‌شود حضور مشاورین نظامی ایران در سوریه به پیش از شکل‌گیری گروه‌های تروریستی در این کشور و مشخصاً به ژانویه ۲۰۱۱ در زمان شکل‌گیری اعتراضات خیابانی علیه دولت بشار اسد باز می‌گردد.
بحران یمن صرفاً از طریق گفت‌وگوی‌های یمنی-یمنی و بدون مداخله خارجی قابل حل است و در این راستا آماده هر نوع کمک هستیم.	گفته نمی‌شود که جمهوری اسلامی همواره توسط طرف‌های درگیر در جنگ داخلی یمن متهم به مداخله در آن بوده است.
گسترش روابط با همسایگان و ایجاد منطقه امن‌تر و توسعه‌یافته‌تر، از اولویت‌های اصلی سیاست خارجی ایران است.	گفته نمی‌شود که در شرایط فعلی روابط ایران با همسایگان عرب حاشیه خلیج فارس در وضعیت نامطلوبی است و روابط ایران و عربستان در فاز تقابلی قرار گرفته است.
ایران نگاهی صلح‌طلبانه به مسائل سیاسی و بین‌المللی داشته و بنای جنگ با هیچ کشوری را نداشته و ندارد.	گفته نمی‌شود ایران همواره از آنچه جنبش‌های مسلحانه آزادیبخش یا «مقاومت» می‌نامند پشتیبانی کرده و در عین حال کشورهایی نیز هستند که جمهوری اسلامی مبارزه با آنان را جزئی از آرمان‌ها و مسئولیتی ناشی از نقش بین‌المللی خود می‌داند.

※ استراتژی مفروض‌ها

این متن نیز مانند هر متن دیگری بر گزاره‌هایی مبنایی متکی است که گوینده، صدق و صحت‌شان را مفروض گرفته و به گونه‌ای بیان خود را بر آنها استوار می‌کند که گویی آنها حقایقی بدیهی و خدشه‌ناپذیر هستند. مفروض‌ها در ساختارهای معنایی در حکم اصولی بنیادین هستند که سازواری نظم معنا را در درون ساختار ممکن می‌کنند. بنابراین با انتخاب مفروض‌های یک ساختار معنایی، گوینده یا مولف؛ تعلق خود را به آن ساختار باز نمود داده و تبعاً از وابستگی به ساختارهای متعارض برائت می‌جوید. مهمترین مفروض‌های این متن را می‌توان در این گزاره‌ها فهرست کرد: ۱- حقوق

بین‌الملل بر سیاست بین‌الملل مقدم است؛ ۲- امنیت و صلح بین‌الملل متکی به سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی است؛ ۳- جهان سیاست بین‌الملل دارای یک نظم حقوقی شبیه به سیاست داخلی است و ۴- دولت‌ها موجودیت‌هایی حقوقی و موضوع نظمی مدنی هستند.

مفروض‌های این متن، آشکارا آنرا مقید به ساختار معنایی ایده آلیسم لیبرالی می‌کند و مفصل‌بندی‌های متن ناگزیر از رعایت اقتضائات این ساختار معنایی است. بر این اساس است که جمهوری اسلامی می‌بایست نمونه‌ای از یک موجودیت حقوقی و مدنی معرفی شود که بیش از همه به تکالیف و تعهدات حقوقی خود پایبند است و اکنون که موضوع تعدی یکی از اعضای یاغی قرار گرفته، متوقع است این نظم حقوقی در راستای استیفای حقوق پایمال شده او فعال شده و عضو خاطی را متوقف و تنبیه کند. همانگونه که پیش‌تر نیز گفته شد کاربرد نام‌تعارف نام «اسرائیل» به جای «رژیم صهیونیستی» نتیجه تعهد به مفروض‌ها در این ساختار معنایی است.

* ساختارهای سه‌گانه متن

در این مرحله کمابیش ساختار متن در ابعاد ادراکی، ارزشی و تحریکی آشکار شده است. در بعد ادراکی، جهانی که متن تصویر می‌کند، فضایی دراماتیزه دارد که در آن شخصیت بد داستان - آمریکا - نظم و ثبات و امنیت شهر را در هم ریخته است و اکنون شخصیت خوب داستان - ایران - و شهروندی که موضوع تعدی قرار گرفته است تلاش می‌کند همکاری سایر شهروندان را برای مقابله با شخصیت بد و بازگرداندن نظم و ثبات برانگیزد. از این منظر، جهان سیاست بین‌الملل؛ جامعه‌ای متشکل از دولت‌ها است که نسبت به هم تعهداتی حقوقی و تکالیفی دارند و این موضوع، همکاری را در میان‌شان ممکن و ضروری کرده است.

مبتنی بر چنین ادراکی، ارزش‌ها و ضدا ارزش‌ها در ذیل این ساختار سامان می‌یابند. ارزش‌ها همان قواعد و هنجارهای حقوق بین‌الملل هستند که باور و تعهد عملی به آنها، عاملیت اجتماعی ذیل جامعه بین‌الملل را در جایگاه خیر تعریف می‌کنند و متقابلاً باور و تعهد عملی به سیاست قدرت که بر تصویر نظمی آنارشیک از سیاست بین‌الملل استوار است، مصداق ناهنجاری و ضدا ارزش معرفی می‌شود. لذا

چندجانبه‌گرایی، تعهد به حقوق و سازمان‌های بین‌المللی، وفای به عهد، همکاری و همزیستی مسالمت‌آمیز، اقتدار مشروع، صلح‌دوستی، دموکراسی و مبارزه با تروریسم از مصادیق ارزش‌های منتسب به خیر و متقابلاً یک‌جانبه‌گرایی، بی‌تعهدی یا نقض تعهد در حقوق بین‌الملل و تضعیف سازمان‌های بین‌المللی، اقتدار مبتنی بر زور، جنگ‌طلبی، اقتدارگرایی و حمایت از تروریسم از مصادیق ضدارزش‌هایی است که به جبهه شر منتسب شده است.

در بعد تحریکی، متن دو مخاطب مستقیم دارد. در درجه نخست جامعه جهانی و در درجه دوم آمریکا مخاطبان اصلی متن هستند. اگرچه بیشترین حجم از متن به موضوع آمریکا و عملکرد آن اختصاص دارد اما ۵۷٪ مطالب این بخش از متن در قالب گزاره‌های اخباری بیان شده که متوجه معرفی و توصیف آمریکا برای دیگران بوده و تنها ۱۷٪ از آن در قالب گزاره‌های تحریکی بیان شده است. این در حالی است که در موضوع برجام بالغ بر ۳۰٪ گزاره‌ها در قالب تحریکی بیان شده و در این زمینه هیچ گزاره‌ای التزامی صادر نشده است (حداد، ۱۳۹۸: ۹۲). متن در پاسخ به پرسش «چه باید کرد؟»، راهکار برون‌رفت از وضعیت نامطلوبی که توصیف کرده است را در درجه نخست همبستگی عملی اعضای جامعه جهانی در مقابله با عضو هنجارشکن و زیاده‌خواه و در درجه دوم، بازگشت عضو پیمان‌شکن به تعهدات حقوقی و تمکین از قانون می‌داند.

نتیجه‌گیری

نتایج تحلیل گفتمان انتقادی این متن، نشان می‌دهد که حسن روحانی در سخنرانی خود در مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۲۰۱۸ چه اهداف سیاسی را متأثر از چه زمینه و بستری، چگونه و در چه مفصل‌بندی و چارچوبی، در پس چه کنش‌های گفتاری و در ذیل چه ساختار معنایی بیان کرده است. بستر و زمینه متحول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پس از خروج یک‌جانبه آمریکا از توافق برجام، چرخش در سیاست خارجی را اجتناب‌ناپذیر کرده و این چرخش در تغییر ساختار کلامی رئیس‌جمهور در سخنرانی سالانه خود در مجمع عمومی نمود یافته است. این متن در مقایسه با سایر سخنرانی‌های پیشین، قطبی‌ترین و دیگری‌محورترین سخنرانی

حسن روحانی بود که در آن موضوع آمریکا و عملکرد آن، بیش از هر موضوع دیگری حتی بیش از معرفی عملکرد جمهوری اسلامی برجسته‌سازی شده است. انتقاد به سیاست‌های یکجانبه‌گرایانه ترامپ که بیش از آنکه متأثر از متغیرهای روان‌شناسی شخصیت وی و یا سیاستی خاص در بخشی از حزب سیاسی حاکم باشد، ناشی از اقتضانات نظام اقتصاد سیاسی بین‌الملل در آستانه تغییرات ساختاری و نشانه‌ای از عزم ایالات متحده در تغییر استراتژی کلان خود از یک قدرت هژمونیک تنظیم‌گر به یک ابرقدرت خودیاری‌کننده است، در نقطه عطف خروج آمریکا از برجام، این فرصت را به جمهوری اسلامی ایران داد تا با بهره‌گیری از این ظرفیت انتقادی تلاش کند سایر قدرت‌های بزرگ را در مقابله با یکجانبه‌گرایی آمریکا حول موضوع برجام متحد کرده و آسیب‌های ناشی از این اقدام آمریکا را به حداقل ممکن کاهش دهد. به عبارت دیگر آنچه مبنای چنین تلاشی بود، نه اهمیت ایران و برجام برای قدرت‌های بزرگ بلکه اهمیت مقابله با یکجانبه‌گرایی آمریکا بود و ایران در آن مقطع تلاش کرد تا از این ظرفیت به نفع خود بهره‌گیرد و این متن در راستای چنین تلاشی قابل فهم است.

به نظر می‌رسد نگارندگان متن سخنرانی رئیس‌جمهور در راستای چنین هدفی تلاش کرده‌اند جهانی را در متن تصویر کنند که در آن سیاست بین‌الملل، جامعه‌ای مدنی است که اعضای مترقی آن دولت‌هایی هستند که نسبت به حقوق و تکالیف متقابل آگاه و متعهد بوده و نظمی حقوقی را سامان داده‌اند. در این جهان که تعهد به قانون و حقوق بین‌الملل، حمایت و تمکین از سازمان‌های بین‌المللی، همزیستی و همکاری و صلح و دموکراسی ارزش‌هایی اساسی هستند، جمهوری اسلامی یک عضو نمونه و یک شهروند متعهد تصویر می‌شود که موضوع تعدی یک عضو یاغی - ایالات متحده آمریکا - قرار گرفته است و اکنون این جامعه جهانی است که می‌بایست در جهت استیفای حقوق وی و به هدف تضمین ثبات و نظم، وارد عمل شده و در راستای تنبیه عضو یاغی برخورداری نظام‌مند را سامان دهد.

ترکیب‌بندی واژگان مورد استفاده در متن گویای تأکید بر وجوه حقوقی و ایده‌آلیستی در مفصل‌بندی آن است و با اتخاذ یک استراتژی غیریت‌سازی آشکار و صریح، شخصیت‌پردازی دراماتیک میان جمهوری اسلامی به عنوان خیر در مقابل

آمریکا به عنوان شر در متن برجسته شده است. با برقراری ارتباط با متون معنابخش به ساختار معنایی ایده آلیسم در روابط بین‌الملل از طریق استراتژی تداعی، فضا سازی کلی متن قوام یافته است و با استفاده ظریف از تداعی‌های متنوع، تصویرسازی از خود و دگر تقویت شده است.

اگرچه تصویری که در متن از جمهوری اسلامی بر ساخته شده است چندان با واقعیت تاریخی آن منطبق نیست و با آشکار سازی استراتژی بین خطوط می‌توان به سادگی این عدم انطباق را فاش کرد، اما فارغ از زمینه و واقعیت تاریخی آن، تصویرسازی در درون متن؛ سازوار شکل گرفته و عناصر درونی آن با یکدیگر هم پیوند هستند. ساختارهای سه گانه متن نیز آشکارا روایت شده‌اند: جهان سیاست بین‌الملل، جامعه‌ای مدنی است که در آن قانون اصیل‌ترین ارزش‌هاست، پس باید برای حفظ آن با قانون شکن مواجهه‌ای قاطع و متحد در پیش گرفت. در جدول شماره (۶) خلاصه‌ای از یافته‌های این پژوهش ارائه شده است.

جدول ۶- خلاصه یافته‌های پژوهش بر مبنای گام‌های عملیاتی تحلیل گفتمان انتقادی کاربردی

وضعیت	مؤلفه
محکومیت اقدام آمریکا در خروج از برجام بر اساس موازین حقوق بین‌الملل؛ تبیین و توجیه اقدامات جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر موازین حقوق بین‌الملل؛ پیش‌بینی شکست آمریکا و عدم تحقق اهدافش در خروج از برجام؛	تم‌های کانونی متن
واژگان حقوق بین‌الملل محور: ۸۸ بار واژگان دولت محور: ۸۱ بار واژگان جنگ محور: ۴۵ واژگان دیپلماسی محور: ۲۷	نظم واژگان ارزشی
خود: جمهوری اسلامی ایران؛ دگر: ایالات متحده آمریکا؛ فضیلت‌های خود: تعهد به حقوق بین‌الملل، حمایت صلح و دموکراسی، مخالفت با تسلیحات کشتار جمعی، باورمندی به گفتگو و چندجانبه‌گرایی؛ رذیلت‌های دگر: بی‌توجهی به نهادها و حقوق بین‌الملل، عاملیت در ناامنی و به خطر انداختن صلح، دشمنی واقعی با دموکراسی، عاملیت در گسترش تسلیحات کشتار جمعی، یکجانبه‌گرایی، بی‌تعهدی به گفتگوهای چندجانبه؛	استراتژی غیریت‌سازی
متن: اهمیت حقوق، نهادها و سازمان‌های بین‌المللی و نفی اعتبار سیاست قدرت؛ حاشیه: اقتصاد، توسعه و رفاه، دموکراسی و حقوق بشر، محیط زیست؛	استراتژی متن/حاشیه

ادامه جدول ۶-

وضعیت	مولفه
<p>متون مرتبط:</p> <p>متون مذهبی مشخصاً قرآن کریم؛</p> <p>متون سیاسی فلسفی و تاریخی مشخصاً متونی که نازیسم، فاشیسم و آپارتاید را معرفی می‌کنند؛</p> <p>متون رسانه‌ای مشخصاً آنها که ابعاد تشریفاتی دیپلماسی و ابعاد نمایشی رقابت‌های انتخاباتی را برجسته می‌کنند؛</p> <p>متونی که مسائل سیاست بین‌الملل معاصر را معرفی می‌کنند از جمله تروریسم و جنگ‌های مهم در سال‌های پایانی قرن بیستم و آغازین قرن بیست و یکم؛</p> <p>متونی که عملکرد نامتعارف ترامپ و احمدی‌نژاد را در مجمع عمومی سازمان ملل معرفی می‌کنند؛</p> <p>متون فرهنگی که شکوه و افتخار ایران باستان را معرفی می‌کنند؛</p>	<p>استراتژی بینامتنیت (تداعی)</p>
<p>حوزه موضوعی ناگفته‌های اساسی:</p> <p>مصادیقی از عملکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه و جهان که در تضاد با تصویر یک عضو متعهد به حقوق بین‌الملل قرار می‌گیرد. از این منظر ناگفته‌ها شامل مصادیقی می‌شود که از ایران تصویر یک بازیگر واقع‌گرا و بدبین به سازوکارهای همکاری بین‌المللی در سطح استراتژیک و عملگرا در سطح تاکتیکی را ارائه می‌کند؛</p> <p>تفاوت در شاخص‌ها و معیارهایی که مفاهیم مورد مناقشه از جمله تروریسم، صلح و دموکراسی را تعریف می‌کنند؛</p>	<p>استراتژی ناگفته‌ها (بین خطوط)</p>
<p>حقوق بین‌الملل بر سیاست بین‌الملل مقدم است؛</p> <p>امنیت و صلح بین‌الملل متکی به سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی است؛</p> <p>جهان سیاست بین‌الملل دارای یک نظم حقوقی شبیه به سیاست داخلی است؛</p> <p>دولت‌ها موجودیت‌هایی حقوقی و موضوع نظمی مدنی هستند؛</p>	<p>مفروض‌ها</p>
<p>جهان سیاست بین‌الملل در عین اینکه جامعه‌ای متشکل از دولت‌های متعهد به حقوق و تکالیف متقابل و نیازمند به همکاری است، فضایی دراماتیزه است که در آن شخصیت بد داستان -آمریکا- نظم و ثبات و امنیت جامعه را به هم ریخته است و شخصیت خوب داستان -ایران- و شهروندی که موضوع تعدی قرار گرفته است تلاش می‌کند همکاری سایر شهروندان را برای مقابله با شخصیت بد و بازگرداندن نظم و ثبات برانگیزد.</p>	<p>ساختار ادراکی متن</p>

ادامه جدول ۶-

وضعیت	مولفه
ساخت هنجار: اصول و قواعد حقوق بین‌الملل به عنوان مبنایی برای همکاری؛ ساخت ناهنجاری: اصول و قواعد سیاست قدرت مبتنی بر نظمی آتارشیک؛ مصادیق هنجار: چندجانبه‌گرایی، تعهد به سازمان‌های بین‌المللی، وفای به عهد، همکاری و همزیستی مسالمت‌آمیز، اقتدار مشروع، صلح‌دوستی، دموکراسی و مبارزه با تروریسم؛ مصادیق ناهنجاری: یک‌جانبه‌گرایی، بی‌تعهدی و تضعیف سازمان‌های بین‌المللی، برتری مبتنی بر زور، جنگ‌طلبی، حمایت از تروریسم؛	ساختار ارزشی متن
همبستگی عملی اعضای جامعه جهانی در مقابله با عضو هنجارشکن و زیاده‌خواه؛ بازگشت عضو پیمان‌شکن به تعهدات حقوقی و تمکین از قانون؛	ساختار تحریکی متن

گفتمان انتقادی، نه فقط به تحلیل‌گر این امکان را می‌دهد که شعبده آگاهانه مولف یا گوینده را در برسازای حقیقت فاش کند بلکه انعکاس ناخودآگاه مولف که بازتاب‌دهنده ارزش‌ها، اولویت‌ها، محدودیت‌هایی که وی نسبت به آنها ناآگاه است یا سعی در پنهان‌سازی آگاهانه آنها را دارد هم آشکار می‌نماید. برجسته‌سازی مسائل سخت در سیاست بین‌الملل و بی‌توجهی به سایر حوزه‌های موضوعی از اقتصاد گرفته تا محیط زیست و حقوق بشر و فاصله نامعقول سیاست‌های اعلانی در متن با سیاست‌های اعمالی که جمهوری اسلامی با آن شناخته شده است، ظرفیت آنها دارند که در مرحله تبیین یا روایت در تحلیل گفتمان انتقادی بیشتر مورد توجه قرار گیرند. همچنین برسازای آمریکا به عنوان مهمترین و خطرناکترین «دگر» در متن، چه برای جمهوری اسلامی ایران و چه برای نظم جهانی، در تضاد معنایی آشکار با این گزاره بنیادین در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قرار می‌گیرد که تامین منافع ملی ایران در گرو ستیز با آمریکا است.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID

Gholamreza Haddad



منابع

- احمدیان، قدرت و نوری، مختار، (۱۳۹۰)، «گفتمان پست مدرنیسم و انقلاب اسلامی ایران: بازخوانی و ساختار شکنی الگوی توسعه مدرن»، *مطالعات انقلاب اسلامی*، دوره ۸، شماره ۲۷.
- افخمی، علی، عابدینی، سیروس، محمودی بختیاری، بهروز، (۱۳۹۷)، «تحلیل گفتمان انتقادی سخنرانی‌های دونالد ترامپ در مورد مهاجران»، *فصلنامه زبان‌شناسی اجتماعی*، دوره ۲، شماره ۱.
- بخشایش اردستانی، احمد، (۱۳۸۶)، «گفتمان قدرت در اندیشه میشل فوکو»، *حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس*، دوره ۱، شماره ۲.
- باقری دولت آبادی، علی، فخرائی، حسین، (۱۳۹۶)، «آسیب‌شناسی صدور انقلاب اسلامی ایران به اروپا بر اساس نظریه گفتمان»، *فصلنامه سیاست و روابط بین‌الملل*، دوره ۲، شماره ۲.
- بشیر، حسن، امین، محسن، (۱۳۹۸)، «تحلیل گفتمان سخنرانی‌های حسن روحانی و داندل ترامپ در مجمع عمومی سازمان ملل به روش PDAM، پژوهش‌های راهبردی سیاست»، دوره ۸، شماره ۲۸.
- تاجیک، محمدرضا، (۱۳۸۲)، «گفتمان، سیاست و اجتماع»، *گفتمان*، دوره ۱، شماره ۸.
- تاجیک، محمدرضا، (۱۳۷۷)، «متن، وانموده و تحلیل گفتمان (۱) و (۲) و (۳)»، *گفتمان*، دوره ۱، شماره‌های ۰ و ۱ و ۲.
- تاجیک، محمدرضا، (۱۳۸۲)، «مردمسالاری دینی: به سوی یک گفتمان مسلط»، *مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، دوره ۵، شماره ۲۰.
- جهانگیری، جهانگیر، ریگی‌زاده، علی بندر، (۱۳۹۲)، «زبان، قدرت و ایدئولوژی در رویکرد انتقادی نورمن فرکلانف به تحلیل گفتمان»، *پژوهش سیاست نظری*، پاییز و زمستان، شماره ۱۴.

- جهانگیری، جهانگیر، فتاحی، سجاد، (۱۳۹۰)، «تحلیل گفتمان محمود احمدی‌نژاد در انتخابات ریاست جمهوری دور دهم»، فصلنامه مطالعات اجتماعی، دوره ۵، شماره ۳.
- حاجی حسینی، بهاره، سام آرام، عزت‌اله، (۱۳۹۳)، «تحلیل گفتمان دولت اصلاحات و جایگاه فقرزدائی در آن»، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، سال ۶، شماره ۲۱.
- حداد، غلامرضا، (۱۳۹۸)، «تحلیل سخنرانی‌های حسن روحانی در مجمع عمومی سازمان ملل بر اساس نظریه کنش گفتار: ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۸»، پژوهشنامه علوم سیاسی، دوره ۱۴، شماره ۵۴.
- خواجه سروی، غلامرضا، (۱۳۸۶)، «فراز و فرود گفتمان عدالت در جمهوری اسلامی ایران»، دانش سیاسی، دوره ۱، شماره ۲.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال، (۱۳۹۳)، «گفتمان هسته‌ای دولت یازدهم»، مطالعات راهبردی، دوره ۱۷، شماره ۶۳.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال، (۱۳۸۸)، «گفتمان عدالت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، معرفت سیاسی، دوره ۱، شماره ۱.
- رضائی جعفری، محسن؛ آقا حسینی، علی، علی حسینی، علی، (۱۳۹۵)، «بررسی و تحلیل فرایند استقرار و انسجام یابی گفتمان انقلاب اسلامی ایران بر اساس نظریه گفتمان لاکلا و موفه»، مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، دوره ۶، شماره ۲۰.
- رهبری، مهدی، (۱۳۸۶)، «نخبگان و شکل‌گیری گفتمان توسعه در ایران»، پژوهش حقوق و سیاست، دوره ۹، شماره ۲۲.
- سکری فرد، زهرا، خمیجانی فراهانی، علی اکبر، (۱۳۹۵)، «تحلیل گفتمان سخنرانی حسن روحانی و باراک اوباما پس از تصویب توافقنامه ژنو»، دومین همایش ملی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی ایران، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی سروش حکمت مرتضوی.

- صیادی نجاد، روح‌الله، ذکائی، حسین، (۱۳۹۶)، «تحلیل گفتمان رهبر انقلاب اسلامی آیت‌الله خامنه‌ای (نمونه: سخنرانی خطاب به مردم مصر)»، *مجله الجمعیه العلمیه الايرانیه للغه العربیه و آدابها*، دوره ۱۳، شماره ۴۴.
- ضیایی، محمدصادق، نرگسیان، عباس، کیامنبرد، منیژه، (۱۳۸۸)، «بررسی رابطه بین زبان اقتدار با مشروعیت دولت‌ها؛ (تحلیل گفتمان انتقادی سخنان امام خمینی (ره))»، *مدیریت دولتی*، دوره ۱، شماره ۳.
- ضیایی، محمدصادق، نرگسیان، عباس، کیامنبرد، منیژه، (۱۳۹۱)، «تحلیل گفتمان انتقادی سخنان دولتمردان ایران و آمریکا در مشروعیت‌بخشی به دولت‌های خویش: تحقیق موردی سخنان امام خمینی و جورج بوش»، *مجله جهانی رسانه*، دوره ۷، شماره ۱.
- فرکلاف، نورمن، (۱۳۷۹)، *تحلیل انتقادی گفتمان*، ترجمه فاطمه شایسته پیران و دیگران، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کجویان، حسین، (۱۳۸۴)، «گفتمان توسعه؛ سرابی ویرانگر»، *راهبرد یاس*، شماره ۳.
- کسرائی، محمدسالار، پوزش شیرازی، علی، (۱۳۸۸)، «نظریه گفتمان لاکلا و موفه ابزاری کارآمد در فهم و تبیین پدیده‌های سیاسی»، *فصلنامه سیاست*، دوره ۳۹، شماره ۳.
- کریمی فیروزجائی، علی، ناطق نوری، حمید، نعیمی، فرحناز، (۱۳۹۶)، «تحلیل گفتمان دیدگاه‌های امام خمینی (ره) درباره حقوق متقابل حکومت و مردم»، *جستارهای سیاسی معاصر*، دوره ۸، شماره ۳.
- کریمی فیروزجائی، علی، حبیبی، سمیرا، (۱۳۹۷)، «تحلیل گفتمان رهبران ایران و آمریکا درباره برجام»، *جستارهای سیاسی معاصر*، دوره ۹، شماره ۳۰.
- گاه‌شمار برجام، از اجرا تا اغما، بی‌بی‌سی: ۱۳/۸/۱۳۹۷؛ دسترسی: yon.ir/CmDO8
- عضدانلو، حمید، (۱۳۷۴)، «گفتمان، زور و جامعه»، *اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، شماره‌های ۹۹ و ۱۰۰.

- عضدانلو، حمید، (۱۳۷۷)، «گفتمانی درباره گفتمان»، *اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، شماره‌های ۱۳۳ و ۱۳۴.
- عضدانلو، حمید، (۱۳۷۵)، «درآمدی بر گفتمان»، *اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، شماره‌های ۱۰۳ و ۱۰۴.
- غلامرضا کاشی، محمد جواد؛ بی‌تا؛ کارگاه روش پژوهش: درسنامه تحلیل گفتمان، فایل صوتی سخنرانی در: <https://t.me/javadkashi>.
- غلامرضا کاشی، محمد جواد، (۱۳۸۱)، *جادوی گفتار: ذهنیت فرهنگی و نظام معانی در انتخابات دوم خرداد*، تهران: موسسه فرهنگی آینده پویان.
- مروی، ابوالفضل، (۱۳۹۳)، «تحلیل گفتمان امام خمینی (ره) (با تأکید بر مدل نورمن فرکلاف)»، حضور، شماره ۸۸.
- معینی علمداری، جهانگیر، (۱۳۸۰)، «جستی گفتمان پسااخترگرا در سیاست»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، دوره ۲۳، شماره ۵۱.
- مک دائل، دایان، (۱۳۸۰)، *مقدمه‌ای بر نظریه‌های گفتمان*، ترجمه: حسینعلی نوذری، چاپ اول، تهران: فرهنگ گفتمان.
- میراحمدی، منصور، شیری، اکرم، (۱۳۸۸)، «عدالت سیاسی در گفتمان اسلام سیاسی فقهاتی»، *علوم سیاسی*، دوره ۱۲، شماره ۴۸.
- میلز، سارا، (۱۳۹۳)، *گفتمان (کلید واژه‌های ادبیات)*، ترجمه مؤسسه خط ممتد اندیشه زیر نظر نرگس حسنعلی، تهران: نشر نشانه.
- نظری، علی اشرف، (۱۳۸۸)، «گفتمان هویتی تجددگرایان ایرانی در انقلاب مشروطیت»، *فصلنامه سیاست*، دوره ۳۹، شماره ۴.
- هنری، یداله و آزرمی، علی، (۱۳۹۲)، «بررسی و تحلیل فرایند استقرار و انسجام‌یابی گفتمان انقلاب اسلامی ایران بر اساس نظریه گفتمان لاکلا و موفه»، *پژوهشنامه انقلاب اسلامی*، دوره ۲، شماره ۸.
- یورگنسن، ماریان و فیلیپس، لوتیز، (۱۳۸۹)، *نظریه و روش در تحلیل گفتمان*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.